

سال اول - شماره ۴
جولای ۱۹۸۴

سیاهمکل

تشریح حال حاضر و آینده ایران در بحریکتهای جهانی ایران (ارتش و هاستیکه و کشتیهای ایران)



و اینست از مغان

جنبه ارتجاعی ایران و عراق

برای زحمتکشان

آرشیو فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران

فهرست مندرجات

| | |
|----|--|
| ۲ | جنگ ایران و عراق و مسئله طح |
| ۵ | روزی که دانشگاه در خون نشست |
| ۷ | زننه و پیروزیا جنگ انقلابی ... |
| ۹ | گرامی با نیا د رفیق پیروز دهفانی |
| ۱۱ | گرامی با دفا طره شهیدی ۱۳۱۱ اطنند |
| ۱۳ | زندگی در مناطق آزاد شده در المان و دور ... |
| ۲۰ | اخبار ایران |
| ۲۳ | اخبار جهان |
| ۲۶ | بررسی مرحله انقلاب (قسمت ۲) |
| ۳۰ | بررسی گذشته (۱) بخش دوم ... چریکهای فدایی خلق ایران (آرغا) |
| ۵۰ | |

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم
 جمهوری اسلامی

جنگ ایران و عراق و مسئله صلح

زیربنا به چهار سال از جنگ ایران و عراق میگذرد و مسئله جنگ هنوز بعنوان یکی از مسائل مهمی است که جنبش انقلابی ایران صراحتاً در برخورد به آن، بتواند با تعیین برآیند و تا کشیدگی انقلابی جنبش خود ای را بسازد کاملاً بیطرفی برآیند.

از همان آغاز جنگ، در برخورد به ماهیت جنگ و تعیین وظایف انقلابی در جنبش انقلابی ایران دو مسئله کاملاً متضاد بوجود آمد. این مسئله شکی نیست که در میان جنبش ایران، هم اینکولوری و دو دیدگاه متفاوت طبقاتی نسبت به جنگ است. و این امر نه صرفاً مشخص نیروهای جنبش ایران بلکه تاریخ جنبشهای انقلابی جهان نیز آنرا نشان میدهد. یکی اینکولوری پرولتری که برآیند و تا کشیدگی انقلابی و دیگری اینکولوری غیر پرولتری یا برآیند مسدود تا کشیدگی مارکسیست و اپورتونیستی.

نگاهی کوتاه به تاریخ دوران معاصر نشان میدهد برآیند جنگی کوچک و بزرگ متعددی است که خطری است و برآیند نیروهای جنبش در کشورهای فرنگی جنگ جهانی دوم تا این روزها است که شش ده از آنها تأثیر بزرگی در خلقگری از ارتکا با اشتباه توسط نیروهای انقلابی ندارد. در میان این جنگها، دو جنگ اول و دوم جهانی به مثابه مسئله ای که برآیند جهان را در بر میگیرد با استعدا تا اجزای و سازمانها در کشورهای جهان به سرحدت بین وجهی نظریات و شورشیای خود را بیان کنند، و شاید در برآیند جنبشها بود که جهت نظریات در دنیا نمود و پایه همه جنبشهای نشان داد. در میان این ماهیت جنگ اول جهانی و وظایف انقلابی نیز در کل جنبش جهان نشان دوران موثقی کاملاً متضاد بوجود آمد. این نظریات غیر

سازمانها و جنبشهای فراوان داشتند که توفیق بود پرولتری حاکم و هیئت نظام از کشور خود را مطرح کردند و در برآیند جنگ نیز با شعار "انقلاب و صلح" کشورهای درگیر جنگ را تسلیم کردند و با شعار "نه جنگ و نه پیروزی برای هیچکدام" این جریان که در کل دوران جنگ سختترین خدمت را به پرولتری کرد، به رهبری کمالی مانند که شوکتی، بلخانوف و ... به جریان "سوسیالیست" و در واقع "پرولتاریتها" معروف شد، جریان دیگری که از اساسی روش و جهت آنها در شناخت جنگ اساساً به دست اول عقد و تدوین به رهبری بلخویکیه و لنین کبیر بلزوم مثلاً بعد از جنگ از نظریات و نظریات جداگانه معتقد داشتند. رابطه بین جنگ و سوسیالیسم طبقاتی را درک کرده، معتقد بودند که جنگی جز با انقلاب طبقاتی و ایجاد سوسیالیسم از میان نخواهد رفت. آنها از جنگهای عادلانه در جنگهای نامتوازن در مقابل مستکبران دفاع کرده و ...

و علاوه بر برقراری نظم سیاسی از ریشه ها و ماهیت جنگ اول جهانی حواستند ثابت کنند که این جنگ (اول جهانی) جنگی است بین گروههای امپریالیستی برای تقسیم جهان بین خود. جنگی است برای اشکال و قدرت هر چه بیشتر مستکبران جنگی است برای نابودا جنبش پرولتاریهای انقلابی جهان و نبودن جنگ آنها و ...

و بر اساس این تحلیل با برآیند و تا کشیدگی پرولتری خودی بزرگترین تجربه تاریخ را به امپریالیست ها و تکرار

کنند.

لنین خود در رابطه با تحلیل جنگ اول می گوید:

"امپریالیسم عالمگیرین مرحله شکای سیاسی سرمایه داری است



گرامی باد خاطره تابناک
چریک فدائی خلیق
رفیق کبیر محمد حرمتی پور
و رفقا

- * فرهاد سپهری
- * کاووس تورسوا نکوهی
- * عبدالرسول (عبار) عابدی
- * احمد رفیعیان
- * حسن مظاریان
- * جواد رحیمی

را حاضر نمودند گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند. در این نشست گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند. در این نشست گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند. در این نشست گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند.

در این نشست گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند. در این نشست گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند. در این نشست گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند. در این نشست گروهی از دانشمندان و نویسندگان و با آنها گفتگو و تبادل نظر نمودند.

چاپ و نشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
محل انتشار: تهران



بمیانیه زیر گزارش دومین عملیات از سلطه عملیات استون
چریکی جنگل چریکی ای فدائی خلق ایران (ارتش
رها شبخشی خلقی ایران) میباید.

زنده و پیروز باد

جنگ انقلابی خلقهای ستمدیده ایران بر علیه امپریالیسم و سگهای رنجیریش (۲)

هم میباید سوار

عمل ما عه شد تا تقویمین ما رتدا ران که یکی از سگهای
سلطنتی کلام جدا بنگار جمهوری اسلامی است برای چند
روز کاملاً خاموش بمانده طبق اخبار ریحیه رژیم مزدور
مجبور شد تا به منظور راه انداختن مجدد ایستگاه مزدور
قریب ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر از کارمندان فنی خود را به
آنها اعزام کند، و شمار نیروهای امنیتی خود را بطور
قابل ملاحظه افزایش دهد.

دومین عملیات چریکی، حمله به ایستگاه جنگلی است
مقرر با سواران مزدور در جاده تهران است، که شهر به
گشته قتل قریب ۲۰ نفر از مزدوران رژیم از جمله تحت نظام
تربیتی فرد شده ما شرح این عملیات را از زبان یک چریک
فدائی که فخرجه خاطرات او به دست ما رسیده است سزای
هم میباید عزیز گزارش میکنیم:

"پس از آن صافه زبار ارباب جنگل ما انجام به هدف
عملیاتی نزدیک شام، صبحوا شیم ایستگاه جنگلی نسیم
تا ده تهران را که برینل آن جزو ژاندارمری محسوب میشوند،
در این حال صحت ما زوش با سواران مزدور و جانی نسیم
در آنها مشغول است، در هم کوریم، این عملیات بسیار
چریک داور و فراموش نشدنی، جوانترین عضو چریکهای
فدائی خلق ایران و اولین شهید فتنه جنگل عملیاتی
چریک فدائی خلق مریه، سپهری، تا بگذاری بود. قسمت
فدائیم در این حالت فتنه عملیات در آلمان ما شیم، ولی
بنا به یک رشته فداکاری انجام عملیات را به تقویم انداختیم

از اقدام محور چریکی فدائی خلق ایران (ارتش
رها شبخشی خلقی ایران) در جنگلی شمال قسمت مراری
شمرگردد، عدالت عملیات چریکی در دل مردم ما نور میباید
با تکیه و در میان آنها جولان زور و شوق مبارزاتی
برپا کرده است.

طبرعم حمله سکون رژیم مزدور خمینی و شروع برکناری
جنگلی ای سلطنتی رژیم جمهوری اسلامی میباید با بکن جودت
مزبور و پس چریکی و ما یخ ما زنی ما زما سبای خود فروخته ای
نظیر 'حربه توده' و 'اکثریت خائن' اخبار مربوط به
عملیات شروع جنگل چریکی ما فورترین نقاط ایران ریحیه،
و بدون اغراق میتوان گفت همه اطالی شمال، ایشتریکترین
شهرها تا دورافتاده ترین روستاها در باره این عملیات
صحت و گذر می کنند، در این میان بخصوص مردم فرمان
ما زانهران شور و شوق و فاطمه میرآمین خود را نسبت به
روزندگان فاسد و جان پرگش که اینچنین بر قلبه دشمن
می تازند، می برده نشان میدهند و از فریاد گنج کشنده
آنان بر رژیم مزدور خمینی جلد ایران خودداری می نمایند
چریکی فدائی خلق ما ما همدگان راه سهاکسل
صحتند، آنها ما آنها در کردستان جنگیدند و هنوز غم
آنها می رزند چریکی فدائی پس! آنکه ما زمان خود
را از وجود ما در شرف باک گرفته، سارزه خسود را در
جنگلی شمال آغاز گرفته اند، آنها در اولین عملیات
خود ایستگاه تلویزیونی "سوزان" را خنجم گرفته، این

... و احد از من به دو دسته تقسیم شد " گروه آتش" گروه
 و طبقه داشتند اینستگاه جنگلی را با هم بگورید و "گروه"
 تبلیغ و با زنی که میباشند را در جاده بنام
 آوردت هم از حمله احتمالی نفس به رفقای "گروه"
 آتش" جلوگیری نماید و هم از جان جری از هم صحت جان
 که در صافرت بودند حفاظت نماید. این ماحله یا راه "گروه"
 آتش و گروه تبلیغ و با زنی همزمان با یکدیگر عملیات
 را آغاز کردند. اتفاقا بر آن شب یا سدا را در فرمون
 استگاه مکنی گرفته بودند، تعداد آنها تقریباً زیاد بود.
 "گروه آتش" عملیات را چنان آغاز کرد که مبلغ ضمیمه
 را به نشمن نشان نگهیدند که در بیرون استاده بود سه
 تا دل با خندان گرفته و بلافاصله بشهره کوچکی که سه
 بخت با خندان باز شد مورد هدف قرار گرفت و گلوله ها
 در داخل ما خندان متفرق گوییدند حدود یک ربع ما صحت
 رگبار آتش رفقای ما بر آنان بارید در این مدت آنها
 نتوانستند حتی کوچکترین عکس العملی نشان دهند
 فرمانده "گروه آتش" به آنها فرمان تبلیغ داد
 مدعی گفت "شیراندازی نکنید" برای یک لحظه خیلی کوتاه
 ما شیراندازی را قطع کردیم. اما ما شرمند شدای
 شیراندازی را داخل استگاه نو باره به رویان آتش
 گفوسیم. با رفتن از داخل مدعی گفت "شیراندازی نکنید"
 او فرار معلوم شدای سران داخل استگاه بود ولی ما
 مجبور شدای شیراندازی بودیم زیرا او قسمتهای
 دیگر داخل ما خندان شیراندازی کرده بودند. با این همه
 کوشش کردیم نفاطی را بگوریم که از آن شیراندازی می شد
 بشد ان صفتی این نفاط خاموش از موران رژیم بپلاگست
 رسیدند. در جلوی پایگاه خبریهای ارتش متفرک بود
 آنها را نیز سنجیم نمودیم، عملیات چهل دقیقه طول
 کشید در این مدت حتی جبهه او موردی که گفته شد رگبار
 ما فرود نداشتند چهل دقیقه تمام بدون یک لحظه برنگ
 آتش چریکی بر روی نشمن باز بود.

با شنیدن مدای اولین رگبار "گروه آتش" "گروه"
 تبلیغ و با زنی "سرووی جاده رفت" رفقا در جاهای
 خود جا گرفتند، کار ما از نظر نظامی بسیار عالی بود
 امکان داشت چاه را از بنویسند از کسین ما جان نماند
 بدتر بودند. بوسیله "پراغ قوه" چند تیر هوش از تومبیل

ها ایستادند. چندریخ خوشبختی ای فیکر رسیدند، تعداد
 آنها تقریباً زیاد بود. رفقای که مسئول با زنی
 بودند شروع به انجام وظیفه خود نمودند، همزمان با آنها
 رفقای که مسئول تبلیغ بودند کار تبلیغی خود را آغاز
 کردند، آنها برای مردم شرح می دادند

ما چریکهای فدائیی طبق "پراغ" (ارتش رفقا شایسته
 طبقهای ایران) بر علیه "مهریاسیم و خصیصی جسطاد
 می جنگیم. در ابتدا ساهران در شا با توری سر می بردند
 ولی سر از چند لحظه وقتی فهمیدند که آنها ما چریکها
 هستیم و نه پاسداران چه کارها که کردند.

شاید اولین ماری بود که آنها یک چریک را در لباس
 رزمش می بینند. شاید برای اولین بار بود که فرصت یافتند
 تا با طبیعت یک چریک را همراه با نظارتش بنظر زننده ای
 لمس کنند. آنها با مهربانی فراوان به ما غذا، سیگار
 و آجیل تعارف میکردند و با کلمات محبت آمیز و احوال
 با ما با ما سخن می گفتند. با آنکه در ده متری "گروه"
 تبلیغ و با زنی "هدای رگبار یک لحظه خاموشی
 نمی گرفتند، آنها بدون ترس و واژه و بدون کمترین بریفا
 می با یکدیگر بحث و گفتگو می کردند و هر چه در خندان
 آنها با ما می می فرخید. آنها فریاد "جانات رژیم"
 زبور جمهوری اسلامی یا یکدیگر حرف می زدند و معلوم
 بود که کینه ای عظیم در قلبان داشتند. است
 البته این را هم بگویم که ما فرین اتومبیل و مینی بوسها
 احتیاط بیفتنی فرج می کردند. ولی با اینکه صحت
 آنها را گمرا بود که اکثر آنها نمی توانستند احوال
 صحت خود را نسبت به چریکها بنشان کنند. ما فرین
 تمام دستورات چریکها را به دقت اجرا می گرفتند

این یک واقعت است که وقتی مردم ایمان داشتند
 باشد که نیروی واقعا در جانی آنها است و برای آنها
 جانزه میکند و از جان و مال آنها محافظت میکند.
 هیچ قلبی نمی بیند که از ایشان هر چه که آنها
 بخواهند فریخ کنند. همیشه خندان مردم را یک مشت
 حاکمات و مرموز به تشکیل می نمودند در حالی که مردم همیشه
 با مطوفت و مهربانی در هر حال زین بارش با ریسک
 رگبار ما مردم با خالی را حد و احتیاط می نمودند
 ما در نگرش به کار خود مشغول بودند، بلافاصله این فیکر

گزارش از سفر به حالیروز شمشاد رفیق بهروز دهقانی



ملاقات خوش‌امیزان، سرزمینی که هزاران اختر سرخ را در قلب خود نگاه داشته، نگهبانان عصری را بر کوه قلعه خا خا خا، اختر که در صحنه‌های ستاره‌برخاسته امید بهبیدار گشته که راه را هیرت نشان بر خا و به جاریه و بیامورند به خلق که راه ما صحت است و انسی بهروز است از آن ماست رفیق بهروز یکی از این اختران قلب است خلق ما است.

کسی که فراتر از کوهی رسد به کسی کرد و در خوابی برین ریش زینگی کرد و فر جانشین ریش رسد را قضاچه و بر چهره بودی آن جان سپرد و راه را هموار کرد. رفیقی که نشان چشمه زلال است می فرستد و خبری بسوی من به فرید جود من پس این تلاش از فر روز و دیه معرفت تجربه گد میگرد اما اینکه فریتر و مستکم تر بنواستد فر طوف نبادی بهر چه و غم زینگی و ستاره جراه خود ادامه بخشد کسی که از نام تا نام تمام فریبی آموختن بود و آموخت که چگونه آرزو به کار برسد.

گوئیم بیتر نبود که به نظر نظر خاتونه است که نوشته‌های او را میخواندیم خاتونه منکشفه و فریاد ایران می با ملکشده بدرجایه است از راهی تا رویه رگری شده روزگار که از سپیده تا کام رنگ آفتاب است

را شنیدم چرا که با خلقی درجا همی مغول کشن باشد تا شاید بتواند مرخصی بروید و فرید خاتونه اثر باشد. ۱۶ سالگی میتر نبود که بنویسد به ترک فیروزستان شد تا با انقیاد کار معلمی بخواند مشورتی منطبق خاتونه اثر که پدر بیمارتر میگری خون آنرا شده تا به بهینه بیگردد به همین خاطر راهی دانشرا معلمی شد و از آنجا که اخترهای اروپا در وجودش شعله می کشید توانست با دیدی آگاهانه تعالیم فرهنگ امپریالیستی که مریدهای با اطلاع علمی شده‌اند میباشند بنامه و راه خود را از آن جدا سازد و راه نویسی را بیاموزد. در این گذار از با میگرد و فکری بود که این که همون خود او نوشتند تر است گروهی تشکیل بدهد و سرانجام آموزش انقلابی خود و آموزش دانشمندان خلق را در زمان همد، با راسی گشته برای اولین بار در روزنامه طبرستان برنامۀ "منطق آموزش به دانشی" فرین و امی را به فرزندان خلق می آموختند فرزندان که از همه بهنده راهشان گشتند.

رفیق بهروز را هرگز از نظرش فراموش نمی‌کنم. من بین دهفانان، فرقه حسی می دیدم که به زبان ما به ما شل و مشکلات خلق را به خلق فریبان میگذارد به آنها با روی می رساند و از همه بهتر سران آینه میارود را آموزش دهند. او و رفقایش شخصاً به سبب از نظر رفیق ما زینگی رویتان به عمل آورند و همین توانستند فرهنگ و زبان خلق را که زیر پوشش رنج غریبه‌ها بود جو باره رنگه گشتند محتوای انقلابی اثر را به مردم تبلیغ کنند. ضمن آن و عوطفان هر جا شاک بود و خوب می‌گشتند زوری او را گورستان شاد ریخ جودند سپرد. پس از بی این کردن آنها بود اما رفیق بهروز از همین خدایا خبر مید و به راه خود ادامه داد و در این راه به همراه رفقایش نظری و لایحه حرکتی فرود و با اختیار کردن رفیقان مغرب - صفا - روزی ای نویس را شروع کرد - فر ای مطبوع بود که سارزه شده است به نسبت راه ارتقاء با زنی همین گشته بود رفیق بهروز بهر راه رفیقهای دیگر همچون رفیق طبرستان با مطبوعه تا به سرین چریکی از خدایان خلق ایران را تشکیل دهند و اولین عملیات پیروزمندانه خود را در محله به کلانتری تبریز با نام رسانند. پس از آن رفیق بهروز به تبریز رفتن به بهرین آمد تا حرکتی رفیقان یاری به پیشبرد مبارزه مسلحانه از راه دهد. فر اینجا بود که چنگا خون آلود با واک بر پیکر رفیق افکنده شد و از دستگیر گردید به زندان براند تا تحت بی حاشیه ترین شکنجه ها قرار گیرد.



نغمه‌ساز

وقتی می‌اندیشم که زندان‌ها
 انبوه گند و غم‌های خاموشند
 و در دل هر بند و هر سلول زبوران خونین آشیان دارند
 و باز با روزی می‌اندیشم که ابرق‌رمز زبوران
 در آسمان روستا و شهر می‌چرخند
 و بر تنگ و کاسکت و سرباز می‌پیچند
 و می‌شکافند چشم خون آغام دشمن را
 ز سر هموم تند و بیجان هزاران نیش زهر آلود
 و در قوای زرد باغ صبح غم و کینه می‌کارند
 و در دل هر بخش و هر استان
 بر پایگاه و پادگان و قصر می‌بارند
 شوری تنوره می‌گند در قلب خونین و خوشم‌باز
 می‌گشیم از این قلمه و بر کا کِل شگمیر
 چون آذرغش و سیل و ثولان می‌غروشیم باز
 سعید سلطان پور

عشق عشقی که رفیق هر روز ترسیده اف
 خلق داشت و کینه بی‌مانندش بی
 دشمن، شکنجه‌های مرفوران رژیم گند
 و زخم تا آن تاریخ بی‌مانند بود
 علم و گذاشت و با مقاومت خموش
 زندان را به شکنجه‌گاری بی‌سرای
 مرفوران خبیث کرد، او حوار و خفت
 گفت مرگ را تا که رسته نگاهدارد
 راه بر
 سالی شکنجه عالی مقاومت
 سالر که رفیق صفائی زندان به هم
 سپارد

ایستاده هم تشریف و خلق از عشق
 خلق بر آینه زد، هر طول آنچه
 فردا از شکنجه تا صبر کرد
 آنکس که محقق به خلق
 با کینه اشره مرفوران برآمده
 افسانه درموشکجه را بهم رساند
 و مرگ را به سرزده برآورد
 و هیچ هیچ و هیچ نگفت
 از فردا تا آخر، زنگه افروتر
 حتی از مرگ افروتر بود
 رژیم مرفور خراشیدم او را به
 عودت با او اعلام میداد، اما
 شهادت او خرد و هیروانتس و اخرونتس
 دهه - بر این که تنها راه و سبب
 با راهی است، اما زود سلاجقه
 هم اشراف‌داری و هم تا کشفه - گریه
 این خط می‌باید از طرف عشق زندان
 خلق و چه «پورتونبسته‌های بی‌سرف
 از سازمان و مرفور سازمان عسواره
 زجر خربه بود و خبا
 «پورتونبسته‌های مرفور سازمان برایش
 بیعتن او خربه تا دشمن بود اما
 بی شک رفیق‌های مرفور - دهه -
 دشمنان و افسس راهش بیعتن
 چریک‌ها و فدائیان خلق «سروا
 «رفیق‌ها» شخص طلبیه که «سروان»
 روزی آبروی رفیق مرفور را شکست
 «نوع‌مند خلیفه» با مید آبرور

حاجقاده ویزه ۱۵۱۲ درده در سپهه دم این روز (۱۳۵۰ هـ) از جریکهای فدایی خلق رفا **»** پس آریکده
 میدکا سولوشه عده القوم حیان مد بله و سپهه
 آریان به ما خروش زنده یاد خلق که مرگا بر «میرالیم»
 میدان شیر مزدوران امیرالیم و لمزده امزورده سب
 ستار خون خود به زحمتگان سپهمنان تحفید بهمان گردنده
 روز ۹۳ اسفند ۱۳۶۰ شین نو عن از جریکهای فدایی
 خلق ملی اعور و پیدیه و پیش کتیر صدالرحیم جنوری فریک
 درگیری خرابایی با مزدوران امیرالیم نشان با ننگنه
 خوشان عامی ایما نشان است .

رفیق صوری از پرستگان سال ۱۳۵۰ سازمان جریکهای
 فدایی خلق ایران بود که فریدانگاه رژیم وابسته سپه
 امیرالیم شاه را سپهره رفیق سعوده اعلمزاده و حایر
 رفا به نگاه برای سلاکه رژیم شنیل کرده و فریدانگاه
 آریانی جویوش و شرح کردند، رفیق صوری به حسی
 اند «مکوم» شد . ولی حتی برای اسط ای هم «رسمارزه
 بارنه» پیدانگه و تیریزین ساره «فر فر تیریز» زنده ن
 باره شمید شد و ع سلولیه ای انفر دی افند و شیمه
 شد که این سرنخ «صره» روزانه تکنه بود گسه
 هرگز نتوانست آنرا بولابین او را که از آذایی
 میمان سرنخه سقرت و مقهور خود سازد .

رفیق صوری پس از باز شدن در زندانیه فر سال
 ۱۳۵۷ مبارزه خود را در خارج از زندان ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ و از
 آنجا گسه فر جیوری با سازمان فدایی که بیست
 اجرتوشیم شمیر شده بود مواجه شد و از همکاری
 «پورتوشین» خبری از برد و در اینجا سازمان بس ساس
 دشوری مبارزه سلخان سپهره حایر رفقای هم نظرق
 نقشه بازی را ایفا نمود . رفیق صوری همواره سراسر
 اعتقاد بود که «سیم» اعتقاد صحیح راه است و سیم
 انجام وظایف انقلابی است که مهم این است که نتوانیم
 تا آنجا که میتوان سازمان فر جید پیشرفت واقعی
 و عملی انقلاب بگام بردیم مهم اینست که آیا زندگس
 ما را خواهد داد تا ما حاصل تلاشهای خود را بسیم به نفع
 مهم نیست که لاقل درموه مختلف کار انقلابی میرا شای
 بردا نگذا ریم تا سلطیه آریکده انقلاب بشود تا سیم
 و میقدر انقلاب را به پیش برند . اینک ما درخواهیم
 داریم که رژیم «سینه» میرالیم جمهوری اسلامی با تکیه

به تبرکد انقلابی، هرروزه میگردد ستوله ها و دستکش سپهمنان
 را به مورث و سرکوب تاروی میزاج میارند در خواطریکده
 بوله ها شکر کترین توهم نیز بهایت غفلتگی
 رژیم سدوند که تر تراخی که جناس سلخان خلق کرد
 لبریز نظار روز «فرز» ارتجاع امیرالیم و فیرما -
 تانه روحنا به روستا که سنگر به سنگر مقاومت میکنند
 و درحالیکه شامی زحمتگان سراسر ایران چشم به آبی
 مقاومت فیرما تانه فرشته اند که تر تراخیکه سباری
 از حایرهای عامی متلاهی فله و بعضی به مازش و خیاشت
 گفتم غنه و راه برخوا تیز به بن سده رسیده که ترالی
 که در بن همین مبارزه فاقد پیدایش گروههای مسلح
 کوچکی برگزیده و کتار ایران حتمی که با کترین
 انگلستانه مقابل به فیرما «میرالیم» سپهرتازنده
 و قوتنه میتوان به فرورشته که تاریخی با مع داد آچگونه
 میتوان انقلاب ضد امیرالیم - دسترا خیک غلبه ای
 سپهمنان را تعسق بکنه و آری به خلق موی داد ما
 افتقاد داریم که تنها با بریاش و گسترش جنگ انقلابی
 و گشایش جنبه های جدید جنگ انقلابی و تشکیل «رفیق
 خلق و آری» که در مناطق و حرکت در حیت ایستاد ساطق
 سرخ و گسترش آنها است که میتوان به فرورشته های تاریخی
 با مع گفته «پرونده» ای که با فریه خورین و نابودی
 «رفیق» امیرالیم نشان به عمده ترین عامل «بیکه»
 سلطه «میرالیم» همراه خواهد بود . پرونده ای که
 توده ها در جریان آن به نقش تاریخی و لغزت شکست -
 نا بطور خود آگاهی خواهد شد به لغت واد در خواهد بود
 فرهنگشناسان طلف «میرالیم» جامعه شکر ایستاد
 لوس برهنه ای که رفر را مستقر ساخته و آری به
 ستانگ با حوسه ایستاد تحسین بگفتند .

«میرالیم» و «داری» در به فیرمادی (۱۳۱۱) خندان
 زنده به مسارزه سلطه نهگه شیا را «میرالیم» آری ای است
 سرنگون باد رژیم وابسته به «میرالیم» جمهوری اسلامی
 سرگ بر «میرالیم» و سگها که زنجیر
 سرگران با «جمهوری» دسترا خیک خلق برهنه ای طلفه کا رفر

ما سپهمنان به پیروزی را همان
 چریکهای فدایی خلق ایران (ارتش رها تیشخ خلقهای ایران)
 ۹۲/۱۲/۱۱

پیش بسوی تشکیل ارتش خلق!

زندگی در مناطق آزاد شده در السالوادور :

ما زمان نیروی خلق منطقه
بپیشروی جنگ آزادی می‌بخش

مقدمه

ما به عنوان معنای بالگرد اعلان استقلال آمریکای مرکزی از زیر سلطه "تصنام اسپانیا" بیست و هفتین سال در حمله های جنگ ما با ما به عنوان سربازان فزون ما "ما زمان نیروی خلق منطقه" نام گذاری شده است. ما این جزوه را فریزر گذاشتیم این ماه شبیه گرفته ایم و آنرا تقسیم میکنیم به تمام مین بر ما تا که فرزند پسران کتب استقلال را کف نهاد شده اند.

چیز از 1970 سال است که خلق آمریکای مرکزی برای کتب استقلال بود و فرقی نبود بود است که تا کنون می شن بود است. در حقیقت جنگ خلق برای کتب آزادی و استقلال در السالوادور نیز ادامه و جزئی از تمام سرزمین های گذشته خلق بر علیه حتم و برتری می باشد.

ما زمان نیروی خلق منطقه است که خلق السالوادور می خورد چگونه تا کم بر زمین سرنگت نبود باشد و چگونه هر کس آزادی و استقلال و قهر موفقی باشد تشکیل ما زمان های نیروی خلق منطقه یکی از مهم ترین دستاوردهای جنگ آزادی بخش خلق می باشد. حضور کار بسیار زیاد تا این ما شده است که باید انجام شود و این بر مقابل این تجربه زندگی از آنچه است که شود تا کم بر کشور خود خواهیم بود و همه با هم از طریق مدتها ما زمان نیروی خلق منطقه السالوادور جدید را خواهیم ساخت. تمام فتکاری لازم و نیرویی که باید حرفه است. کار نظم شود هیچ به نظر میرسد.

ما زمان نیروی خلق منطقه

هرچند تجربه "مشارکتی جنگ آزادی بخش خلق" می باشد. ما زمان های نیروی خلق منطقه بیخودت بسیار به هم رسان تغییر شود و قدرت بر علیه دشمن ساخته شد آرزو همین ما زمان ما را به تمسک بر این ما را بر طرف سطح آرزو همین حرم و شرکت ما زمان یافته آنها بر سرود بر تمامی نقاط

کشور می شوند. ما زمان نیروی خلق منطقه بسیار بسیار و بدون اولیه حکومت دیکتاتوریک انقلابی آنچه می باشد ما زمان های نیروی خلق منطقه یکی از عاقل ترین اشکال ما زمان نیروی خلق السالوادور در سرب می باشد. از آنجا که در حال حاضر وجود نو نیروی مدافع هم در کشور قیودات انگار می باشد. بگره نیروی رو به "حفاظت امیربالیستیم و حرمانه و در مقابل آن نیروی فرمال رشد خلق مسلح این ما زمان ها "فلسفه بر ضریح گسترش جنگ می باشد.

مردم مردم میگر شما تا تحت کنترل می باشد تا که مردم السالوادور نمی باشد. در حال حاضر باید که برای انقلابی جنبه آزادی بخش خلق را با نام ما زمان (F.M.T.N.) ما تا که انقلابی بر روی پوسته پانصد فر تمام نقاط کشور تکمیل و گسترش یافته اند. ما زمان های نیروی خلق ما به "جنگ آزادی بخش خلق تشکیل شده اند تا به تفسیر و نگرانی فواید و مبادات های کینه و شمشیر آنها به چشم نویین انقلابی توسط نیروهای انقلابی به شروع جدیدی در ما زمان نیروی می باشد. "حفظ می و اجرا می و سیاق می باشد.

هدف این ما زمانه کی جدید می باشد است از هر هم کردن تمام مواد ضروری و مورد احتیاج و تقسیم فرکت همه جالبه خلق و تشکیل یک نوع دولت جدیدی و گسترش جنگ انقلابی ما تشکیل ما زمان های نیروی خلق منطقه شرایط ما مدافعت هم می شوند. از رگزار. نتوانند ما زمانه های و اداره "مردم با ما همه جدید را خود بسازند

ما زمان های نیروی خلق منطقه که متکی به ما به و فعالیت ما زمان یافته "نوعه ها" هستند از ما به که بسیار فوکه هستند می جذب همکاری فعال شوند ما در امور مختلفا سازش می بویزه "مردم می" دفاعی و تولیدی و گسترش

مناطق تحت کنترل انقلابیون - مسئولیت ایجاد بنا طبق تحت کنترل با یکدیگر است. ... منطقه سازمان نیروی خلق منطقه است، که آنهم بستگی دارد به حمایت سازمانها و تشویشها. تنها خلق قادر است که هرگونه زاری و یا هر شکستی و هر هم از خاله منطقه را چسباند. بلکه با یکدیگر دانش و رزمی انقلاب را تبدیل کند.

سازمانها و تشویشها در این امر نقش دارند. این امر فرار بوده است که با خطبه مردم از نوعی تحت کنترل انقلابیون و موالی آنرا خلق را از نیروهای انقلابی جدا کند. آنچه اصلی از ایجاد سازمانهای نیروی خلق منطقه همین است که باید هر قدر قبل این سیاست و اکتشاف شدن باشد و با تصرف سرزمینها که در آن فولد و رشد یافته اند آنها آزاد دارند و به هر چه شده آنها برای تسلط های آنهاست طبق بنا می شود.

ترکیب سازمان نیروی خلق منطقه

ترکیب سازمانها از سازمانها و نیروی خلق منطقه می شود. عبارت از آن است که در هر منطقه و از آنجا که ممکن است در هر منطقه با بخشها و بخشها و جمعیتها و نیروی خلق و قدرت این سازمانها است. بستگی دارد به سرحدات سازمانها. همه های جنگ که این فرایند با اینکه آنها را تحت کنترل از آنجا می باشد و با هنوز جنگ در آن سازمانها دارند و با اینکه ساختار بهت حقوق ضمن قرار دارد تفاوتها می کند.

سازمانهای نیروی خلق منطقه اساساً نیروی تحت کنترل انقلابیون تشکیل می شوند. و مسئولیت این سازمانها در رابطه با نوع آنها است که در آن تشکیل می شوند. سازمانها در هر منطقه؟ نیروی تحت کنترل انقلابیون این سازمانها تنها دولت قدرتمند آنها را می سازد. هر چه و اینها را که مبارزه در آن جریان دارد این سازمانها در ساخت ایجاد با قدرت نیروی (دولت در دولت) می شود. اینها در هر منطقه که هر قدر هم در آن ساختار می شود. هر چه سازمان نیروی خلق منطقه عضویت دارند و نمایندگان خود را می نمایند. مرکزی و هیئت مدیران (کمیته مرکزی) سازمان برای هر قدر هم است با می کند.

شورای مرکزی

شورای مرکزی شون تصمیم گیرنده حکومت منطقه می باشد و از آنکس هر منطقه که از طرف سازمان نیروی خلق منطقه نماینده می شوند تشکیل می شود. تمام اعضای شورای مرکزی بستگی دارد به تعداد ناگنین هر منطقه و شورای مرکزی عالی ترین مرجع تصمیم گیری سازمان نیروی خلق منطقه می باشد.

هیئت مدیران (کمیته مرکزی)

هیئت مدیران (کمیته مرکزی) موظف هستند که تمام تصمیمات شورای مرکزی را در مرحله اجرا برسانند. اعضای هیئت مدیران عبارتند از: رئیس (دبیر اول) - مسئول امور سیاسی - مسئول امور دولتی - مسئول امور اقتصادی - مسئول امور انضباطی و تأمین (که معمولاً از طرف فرماندهی نظامی منطقه انتخاب می شود)

لیست در رابطه با اختیارات مختلف هر منطقه معلوم می شود. با مسئولیتها که مختلف نیز می شود. هر هیئت مدیران قرار می گیرند. هیئت مدیران مسئولیت های زیر را بر عهده دارند:

دبیر اول کمیته عالی ترین مقام امور اجرایی منطقه می باشد و مسئول اعمال هیئت مدیران و نماینده کلیت منطقه می باشد.

دبیر امور قضایی مسئولیت تمام امور قضایی منطقه مثل اجرای احکامات - برگزاری از نوع ها - طرح دعوی در دادگاهها و ... می باشد.

دبیر امور انضباطی و تأمین مسئولیت سازمانها در کلیت منطقه را بر عهده می گیرد. با کمازی ضمن بر عهده دارد و در ضمن مسئول ایجاد و حفظ نظم و انضباط در کلیت منطقه و میلست و نیروهای مسلح آنها را در بخش طبق فرایند با شرکت آنها در رفع اعتبارات رزمی و حرکت آنها در امور رزما می باشد.

دبیر امور خلیفه مسئولیت ترویج سازمانها در کلیت منطقه (کلکتور) - تقسیم زمینها - مزارع و تهیه مزارع حورقها از کشاورزی و سایر کارهای معمولات تولیدی را بر عهده دارد.

دبیر امور اجتماعات مسئولیت پیوند و تجمیع آنها را بر عهده دارد. برای مثال پیوند و تجمیع آنها در جهت



و نگاه‌های متناهی آبی‌آبی‌ها می‌باید نشانه‌ها و ترویج
بهداشت و مواد آموزشی و ترویج فرهنگ از طریق برگزاری
گرفتن آیین‌های سیاسی - فرهنگی و تهیه روزنامه‌های
سیاسی و ادبی و فیلم‌های آموزشی توسط نهادهای مبارز
و

تسبیح‌ها و تالیفات هم مسئولیت‌های بسیار و نقطه‌نظرها
و فعالیت‌های انقلابی را برمی‌تابد و این کار را می‌تواند
با استفاده از رسانه‌های مرسوم مطبوعاتی مثل «امپرسیو» و
سینما و ... حتی تقاضای ترویج فعالیت‌های مبارزانه انجام دهد.
این هشت دسته‌بندی هستند که مسئولان مراکز تصمیم‌گیرنده
است‌های شورشی مرکزی هستند و آنها می‌توانند با ایجاد
همکاری‌های گروهی بین ماکسین منطقه‌ای و رهبران
شهری انجام دهند.

برسایز کنترل (۷۰۰۰۰) یک نیروی مسلح به میزبان
شورشی وجود دارد. برای مثال تمام ماکسین منطقه‌ای از
اطفالی و زنان و دانشمندان با مردان و تمام رزمندگان
باید از امکانات فیزیکی و مواد آموزشی و مراقبت‌های
پزشکی و تسلیحات دفاعی کافی برخوردار باشند. اینجا است
که «زمان‌های نیروی خلق منطقه» وارد عمل می‌شود. برای
مادران و مادران و «تاریخ یک جامعه» زمان نیروی خلق
منطقه باید در دستم‌های زیر فعال باشد.

- آموزش‌های
- آموزش‌های
- آموزش‌های (مواد آموزشی) - آموزش‌های

آموزش‌های

فرهنگی که برای آموزش‌های مردمی
هدف رژیم و امپریالیسم عسارت است از طریق
و نابودکردن حرکت انقلابی. تا این وجود سیستم
نیروهای مادی و نیروهای نظامی است. آموزش‌های
انقلابی هم چنان نقاط مختلف کشور را تحت کنترل خود
نرمی‌آورد. حفظ و دفاع از این نقاط یکی از مهم‌ترین
وظایف سازمان‌های نیروی خلق منطقه را تشکیل می‌دهد.

و شاید سازمان‌های نیروی خلق منطقه به نسبت دفاع از این
نقاط و ماکسین آن است بلکه حرکت‌های ماکسین فرهنگی
و گسترش آن نیز می‌باشد. تمام این وظایف با همکاری
نزدیک‌ترین سازمان‌های نیروی خلق منطقه و مبارزات
جریک‌های منطقه انجام می‌شود. دفاع از این مناطق
چنین محسوس است که باید با چشمان مبارز مراقبت تمام

تنبیه مقاله
بحثی پیرامون
حاکمیت
امپریالیسم در ایران

مجله‌ها که مطالب برترها را به‌یاد آورده‌اند



خبرنامه‌ها داخل منطقه و حمام رفت و آمدها به منطقه بود تا بتوان رد نفوذ دشمن را کشف کرد. نباید مرا قضا حمام با نگانید و واحدها تا صد چریکی دشمن و فعالیت‌های درون آن‌ها بودند.

یکی دیگر از وظایف سازمان‌ها که نیروی خلق منطقه در رابطه با امور نظامی شبه نظامی بود، برای ساکنین منطقه و حفظ آن‌ها در مقابل بمباران‌ها و وحشیانه رژیم میباشند.

خلق فعالان امور درون‌های زیادی از تجربیات و دستخاستم آموخته است. آنچه آموخته اند که شبه از طریق شرکت و سطح سازمان یافته خلق در یک جنگ طولانی است که سازمان دشمن‌های زیاد می‌آورده. امروزه امروزه امروزه که این سازمان‌های نیروی خلق منطقه سازمان‌های شده اند می‌توانند که با اشکالات نبود از قبیل شبه اسلحه دست‌خاستم و تمام‌های مختلف و بریک‌ها [سنگ‌سازها] تجربیات متعددی را برده‌اند و وارد کنند و تقاسیم زیاد از وسایل دشمن را می‌توانند



مخاطبه با رفیق Vicente Companeri
مشول امور سیاسی و نظامی یکی از سازمان‌های نیروی خلق منطقه

یکی از خبرنگاران را می‌بینم که می‌گوید که مشول شبه خبر می‌وزد بیشتر از سازمان‌های نیروی خلق منطقه و بیشتر از سایرین می‌تواند اخبار جدا جدا از منطقه رفیق Vicente مشول امور است و می‌تواند یکی از منطقه تحت کنترل F.M.L.N. سازمان داده است.

رفیق رفیق Vicente سازمان‌کننده در یکی از مناطق هستیم که کار مثبتی است که باید شما بتوانید بر کارها تسریح بدهید که سازمان نیروی خلق منطقه چگونه کنترل این منطقه را حفظ خواهد کرد؟

چگونه این سازمان‌ها نیروی خلق منطقه است بلکه چریک‌های منطقه و می‌تواند نیز مسئولیت امنیت و مراقبت از ساکنین این ناحیه را که در کنترل ما هست نیز به عهده دارند. چریک‌ها از قسمت‌هایی که امکان نفوذ دشمن وجود دارد محافظت میکنند و آنها را که از بین ما مشول امور می‌توانند مراقب اوضاع هستند و هرگونه مشکلی را زیر نظر دارند تا ما بتوانیم چریک‌ها را آگاه کنیم. ما قادریم که می‌توانیم اعلان خطر کنیم که با ورود دشمن شروع به کار میکنند

جنگ خلق پیروز است!

ما با استفاده از فولر ها تا فلزی مواد غذایی مثل سبزی، گندم و کبوتر وند استفاده از زیسمان نام های مخصوص که در برهه نفوذ دشمن قرار می دهیم هنگام غشای در صورتیکه دشمن نفوذ کند این نام ها در تکان میخورند و باعث ایجاد سروصدا میشوند و ما از این طریق متوجه حضور دشمن می شویم .

گاهی اوقات سیر با استفاده از کینه بارجه های بیسی معروف مریکه های بزرگی به شکل انسان فرست می کنیم و آنها را با اسلحه جویس مجهز می کنیم و سپس آنها را به نحوی فرستادیم تا بتوانیم دشمن را متوجه کنیم که کسی قابل رویت باشد. دشمن به هنگام نفوذ با همین آنها وقت نکند و به خیال اینکه آنها نیروی متعلقه هستند منظور مریکه ها تیراندازی میکنند و ما متوجه حضور دشمن می شویم .

گلوه برای ما علاوه بر فلزی را نیز استفاده می کنیم . اولی تا همه مورد نظر را بررسی می کنیم و سپس به کمک ما کتین تاخیه نکه را کار می گذاریم . البته با استفاده از دشمنان از محل تله اطلاع داشته باشیم . اغلب تله های مورد استفاده ما تشکیل شده از سیم خاردار است که به وسیله مریکه ها در تله ها که مجهز تله های متحرک استفاده می شود از مریکه های متحرک از جنس سیم و سوه استفاده می شود به جهت کوفتگی برآورد ما سیم و سوه های آهنی جمع آوری میکنند . ما به حیره داخل یک سنگ ایجاد می کنیم و آنها را به خطوط نوری الکترونیک می کنیم و سپس سنگ را بر سر راه دشمن قرار می دهیم . وقتی دشمن قدم بر روی سنگ میگذارد فروتر اتصال توپم ترافه طی سنگ متحرک میشود و انفجار آن بسیار قوی است .

خوبه چه افرادی دارند یا افراد جنگار است ، مردم ایله ها که مختلفی دارند وقتیکه آنها به مکر کشی میرند آنها چه دادا میکنند و فر اولین گونعه آنها بهدفا مورد بحث قرار میگیرد و همین ترتیب تله ای جلیبه و یا ایله است که از جنسهای متراخ میشود گاهی اوقات نیز از میان همه طایفه که دشمن بر سر راه میگذارد بعضی متحرک نمی بود که ما مراقبت چنین اتفاقی هستیم و با مشاهده آن فوراً به جریک ها گزارش می دهیم شما نتیجه آنها به کار می بندید .

جستارهای Viconia : یکی از مطالبه های زمانی نیروی خلق منطقه عبارتند از سازماندهی شرکت شوه ها فر جنگ

های نهایی . چگونه ما کتین تاخیه نکه های نهایی شما می توانیم می کنیم ؟

ج- ابتدا هر یک از ما باید نسبت کتین تاخیه نکه چیز از قبل طرح ریزی شود. درون هر یک از ما گروه های مختلف هستند که هر کدام مسئول انجام وظایف خودتان هستند. گروهی از ما کتین که دارای بارجه های مخصوص و مریکه (دانشجویان مخصوص کشاورزان) هستند مسئول ایجاد راه های مناسب جهت عقب نشینی و یا خطبه ما کتین هستند. گروهی از ما کتین دارای سیر و کتان و یا اقلان سنگ هستند که این ها موظف هستند دشمن را محاصره کنند. حتی کوفتگان ۱۲ ماله سیر فر این گروه ها شرکت میکنند. برای مثال وقتی فرمان است که یک ماله به یک پارکگاه نظامی دشمن صورت بگیرد فرماندهان نظامی از میانها و سازمان نیروی مسلح درخواست میکنند که آن پارکگاه

دشمن را محاصره کنند و مراقبت او را انجام بدهند. تا قبل از حمله چونکه ما به پارکگاه دشمن برخی از ما کتین مجهز می کنیم. میروند اطراف پارکگاه و به کمک بلند گو و استفاده از قبل های فلزی فرجه های سنگی موجود را به حیاطها زنده و برآورد مثال فراد می زنند مریکه برای این حکومت استفاده می کنند با "تعلیم شوید چون چریک ها آماده حمله می کنید" و یا "تمام شده خواهید بود" . بعضی ترتیب سازمان دشمن محصر میشوند و سیر قادر نخواهند بود که بخوابند فرشته از صبح از رویه کتینی چون جنگی بر سر است نخواهند بود. فر این سنگ ها علاوه بر این مردم سنگر بندی فرست میکنند و یا فرآه های ارشدی دشمن خرابکاری میکنند و میروند .

ج- رفیق Viconia : من اطلاع دارم که تهیه غذای کتینی و مواد ضروری برای ما کتین مساله همیشه کار آسان نیست . سازمان نیروی خلق منطقه چگونه با این امر به حل این مساله می رود ؟

ج- البته مساله غذا رکتاب و تولید همیشه سراسر قادی حل نمی باشد. چیزی برای ما فرستاده نمی بود و ما تولید خیلی زیاد می کردیم . معمولاً مردمی که در این آن چیزی است که از دشمن معاف کرده ایم و یا از معلومات زمینی های روزی اشتراکی (کلیتیک) می باشد. ما همه چیز را به کمک هم می کردیم و همه چیز را همین همه تقسیم می کنیم . ما آشپزی داریم که مواد را برآورد

نظیره می‌کنیم. به عنوان این شمار مواد نظیره کشنده را دسته جمعیت بالابین و آمه‌ای ما زمان نیروی خلق منطقه پس جریک‌ها و صفا کتب منطقه و فرما نمی‌توانیم تسلیم می‌کنند. جریک‌ها فرما نور تولیدی نیز به ما کشنده می‌کنند. برای مثال فرما صفا فرما گاه تصمیم گرفتند است که این هفته به روز جریک‌ها با تمیز کردن لوبییا فرما تولیدی گم‌گشته کنند.

به همراه جریک‌ها ما چیزهایی از زمین نهادیم می‌کنیم. در این موارد هم می‌روند البته ما نغمه که کبیر را برکت می‌گیریم و یاد گرفته‌ایم را شرکت می‌دهیم. جریک‌ها هفته استندرا به عهد می‌گیرند. همه توده‌ها از این اهالی ما زمان نیروی خلق منطقه و اهالی ملیت (روحم عبود نیز لغز) اقدام به نهادن مواد از خانه افرادی می‌کنند که به از خانه تفاوت میان دشمن هستند و با از خود نظامیان دشمن هستند و با از اعضای جوت آتش دشمن هستند. بعد تمام مواد معاقد شده به شمار منطقه می‌روند. هیچ کسی کوچکترین چیزی را برای خود بر نمی‌پارد. اگر چنین کاری بکنند مجازات خواهد شد.

بعضی مواردی که معاقد شده اند در رابطه با احتیاجات تصمیم می‌گیرند. همه مواد متعلق به خلق می‌باشد و کسی که متعلق این کار است رئیس ما زمان نیروی خلق منطقه است. ما هیچ وقت نمی‌گوئیم "این مال جریک‌ها" و این مال مردم" نه! تمام مواد معاقد شده متعلق به همه است.

اگر در زمان نیروی خلق منطقه نهادی پیدا شود همه گرمگی خواهد کشید و اگر کسی غذا پیدا شود همه کسی خواهد خورد.

گاهی اوقات بعضی افراد که سلف و با فکر بدعت نمی‌تواند ولی مردم آموخته اند که شکایت نکنند و از کسی گله نکنند و کسی را برزشت نکنند. ما میدانیم که بسیاری که پیروی فر این جنگ و زندگی فر آزادی را به خود می‌کارند و از خود نشان ندهیم. این نمونه طرز برخورد مردم به این نوع سایل فر جنبه‌های جنگی می‌باشد.

امور تولیدی

زیربناهایی که تحت عنوان به اصطلاح اطلاعات ارسلی توسط آمریکا فر السالو نور درویش با افت است و نیروی

بیش نمونه و فقط جهت تمهید مردم و نمایان به توضیح فرما گم‌گشته است. از رژیم السالو نور هر بین امکان برپا نسی انجام گرفته است. امروزه با گسترش جنگ و خلق السالو نور قادر به کار پس گرفتن سرزمین‌های خسود و گسترش و تحکیم مناطق تحت کنترل F.N.L.N. می‌باشد. تشکیلات خلقی موجود در ما زمان نیروی خلق منطقه امروزه با تا بود کردن فولتین و شیوه‌های کپسول استفاده می‌توانند است شیوه‌های جدیدی از تولید و گسترش دهد. شیوه‌های تولیدی که در زمین‌های خلق و حفظ براری استفاده خلق نگار می‌روند.

به خاطر احتیاجات جنگ آزادی بخش خلق ما مردان و زنان و کودکان فر یکبار و وسیله‌ای در امور تولید شرکت می‌کنند. این روش باعث تقویت اقتصاد مناطق تحت کنترل F.N.L.N. شد و این روش تعیین کننده می‌شود فرایست زندگی و تولید ما می‌باشد. جهت استفاده خلق و نیروهای مسلح خلق می‌باشد. فرمات‌ها در کشور فرماطه زمانی پس حملات و مبارزان‌های رژیم السالو نور مناطق وسیعی از سرزمین‌های تحت کنترل انقلابیون توسط خلق زیرگت مواد غذایی مورد نیاز روزانه از قبیل برتد، لوبیا و برنج و حبوبات و میوه فرا می‌گیرند.

توسط ما زمان‌های نیروی خلق منطقه زمین‌های درامی اختیار می‌توانند که فضای آن سبزیجات‌های مختلفی از قبیل زرد مهاد فرو کردن و جمع آوری محصول و تقسیم آن را به عهد دارند.

ملازمه بر حرکت‌های زیر می‌انگردد. اگر می‌توانیم زمین‌های کوچکی را که متعلق به خورشان می‌باشد به زیرگت می‌برند.

ما زمان نیروی خلق منطقه تمام فعالیت‌های تولیدی را در سرزمین‌های تحت کنترل F.N.L.N. پیروی و راه‌های می‌کنند. طرح‌های زیر می‌فر ما با احتیاجات ما کسب منطقه و احتیاجات ارتش انقلابی و ظرفیت زمین‌های منطقه مورد تصمیم گیری قرار می‌گیرند. در این طرح‌ها شیوه‌های دفع آفات استفاده از وسایل زراعتی فراگتور و سایر ماشین‌آلات مورد نیاز جهت پیوسته تولیدات مورد نظر قرار می‌گیرند. هدف عبارت است از افزایش تولید فر بیشترین حد امکان تا اینکه نیروهای مسلح خلق که از میان خود خلق برافاده شد و توسط آنها حمایت می‌شود بتواند از سلاح خلق باستانی استفاده کند. به همین علت ۶۰٪ از تولیدات به بخش

وزمنگان ده آرد با کندن منطقه تعلق میگردد و ۱۰٪
 از تولیدات سوز خیره میشود.
 تخمین کفایت مواد غذا می یکی از کلیدهای اصلی
 پیچیده جنگ است. به همین علت است که از این موضوع
 آگام است سخن دارد تا از بین بران تولیدات مواد غذایی
 وسیله همیشه حرکت انقلاب را تضعیف نماید. در صورت
 این امر ترقی دشوار کلکتیوها نمی میشود که زمین ها
 در قطعات کوچک به زیر کشت بروند. که توسط زمین حاصل
 کشت تا شده. به همین علت علاوه بر نحوه فوق الذکر
 در کلکتیوها استخراج زمین مورد کشت قرار میگیرد که
 از ریشه آن جهت تغذیه استفاده میشود. چون این تسووع
 فلات با سیم و آهن آلوده از بین نمی رود.

در مناطق تحت کنترل (S.S.) علاوه بر کشت ویران ساز
 های خاک نیروی خلق منطقه است. دام های نیز میزند
 در گذشته اقسام مختلف زمین دارای بزرگ بودند و
 زمینداران امکان استفاده از کشت زمین را نداشتند -
 کنند.

به علت تشدید جنگ بسیاری از زمین دارای بزرگ
 زمین های خود را رها کردند و رفته و اکنون این زمین
 ها در اختیار و طبق قرارداد گرفته اند. شرکت های بزرگ
 استخراج (کلکتیوها) و مینرلیا خلق مناطق تولیدات
 کت و زرق و خام می باشد. آنها تولید است (بسی
 کت - ۱۰۰۰ و ۱۰۰۰۰) را با زمین نمی میکنند.

همکاری بین مناطق مختلف نیز با زمان داده میشود
 در هر منطقه سخن بر این است که تولیدات مواد غذایی
 در رابطه با انگار و منابع طبیعی منطقه متناسب
 باشد. در نتیجه بعضی از مواد غذایی که بطور فراوان
 طبیعی قابل تولید در منطقه ای نیست از مناطق دیگر
 آنها فرستاده میشود و آن منطقه هم در مقابل بعضی
 از تولیدات خود را به آن منطقه میگرداند. برای مثال
 تنوع کشت در این صورت تا حدی بین دو منطقه

با زمان های نیروی خلق منطقه اقدام به استخراج
 بعضی از محصولات تولیدی نیز می نماید. برای مثال
 محصولات چون شکر - پیوسته - عمل - جاسون - سیب - شنبلیله
 را از طریق فروشهای خلق بفروش می یابند.
 یکی دیگر از زمینه های کار استخراجی اینست
 کارگاه های مختلف می باشد. برای مثال یک شبکه وسیعی
 از کارگاه های خرد وجود دارد که مسئولیت تولید
 پوشاک و بعضی لباسها به عهده آنها میباشد.

ماضین های خرابی موجود در این کارگاه ها از طرف ما صبان
 اولیه آنها در اختیار کلکتیوها قرار گرفته است و اکنون
 جزو با درآمد کلکتیوها هستند. کارگاه ها با انگار نیست
 تکمیل نموده اند که و با این از تبدیل کشت. خروجی نیروی
 کلی و محصولات استیک و بهره تولید می کنند. مدیریت
 مطابق با یک اصل که توسط (F.A.O) از ضمن معاهده
 سفید اما کارگاه های تولید کننده ایلد استانی
 هنوز بخش مهمی در پیشبرد جنگ در رنده است. در مقابل
 با شرکت های آمریکا در فراهم کردن تسلیحات ارتش
 اهلایو، نیروی خلق اهلایو نیز از قدرت دارگاش و بعضی
 برخوردار نیست اما در عوض ابتکار و ایده های جدید
 هر روز رونق میدهد برای مبارزه با دشمن و ابتداء میکند
 در کارگاه های تولید کننده ایلد دست کار مردم با دست
 و مشت فاند کار میکنند. به استثناء از سله های آهنی
 و چاقو بعضی های قوی از نوع ویستا می درست میشود. علاوه
 بر این انواع سله های انفجاری و نارنگی نیز درست
 میشود. تمام این ایلد های استانی از قدرت کافی جهت
 انجام زره بومی های دشمن برخوردار میباشد و دست ساز
 چون آنها دشمنی برای کم اثر بودن آنها نمی باشد.

برای افزایش و تقویت تولید و علاوه با سازمان
 مردم در کار استخراجی با زمان های نیروی خلق منطقه
 در مناطق تحت کنترل (S.S.S.) روز به روز توان کسب
 و اطلاعاتی را بویستار همین کرده اند. در این ایام
 تمام اهلایو مینرلیا و اهلایو روشی با زمان ها بجمراه
 ترند ها در انجام کارهای داوطلبانه شرکت میکنند.

بهداشت

در ایام این دوران رژیم های نظامی که بطور متوالی
 در کشور حکومت کرده اند هیچگاه به بهداشت مردم اهمیت
 ندادند. مستقیم بهداشتی در ایام این دوران
 با سرمایه و پول های بیگانه نمی باشد و هیچ وجه این
 سیستم نمی در بر ریسکهای پزشکی کشور مردم کشور است
 و چون این سیستم بهداشتی بر اساس سرمایه و پول نیست
 سرمایه داری برپا شده است. بدین جهت بودجه بهداشتی
 در این ایام صرفه برای ایجاد یک جامعه عظیم
 (S.S.S.) نمی در برورزش یک نوع با زمان اختصاصی
 دارد که اهلایو و سیه آن بصورت اوضاع و احوال مردم
 میباشد. با زمان های نیروی خلق منطقه اقدام به ایجاد
 شبکه بهداشتی

اخبار ایران

کفایش مجدد دانشگاه و انقلاب
فرهنگش پیشرو رژیم جمهوری اسلامی.

زمانی که مزدوران رژیم خداداد حسینیه لشکریان اسلام را در دانشگاه کوهکوه کرده و در مورد شیخ علمیه و روحانیان در حلقه‌هاست نمودند، اقدامی که این حلقه‌ها نموده‌اند، خود را تحت‌لوری انقلاب فرهنگی صورت داده‌اند. حاکم سرمایه‌داری و استبداد که نیاز به کافر و منافقین دارد، مجبور است که دانشگاه‌ها را از نو باره باز کند و جمهوری اسلامی را با حاکمیت بیچاره لوثی ایجاد و طرح قوانین دستخوش و ایجاد دست فرستد و ... (گزارش تا حدی تا پیش از این) تا در ۱۰۰ ساله ما کند. خلاصه رژیم باره ای (پس) تا در برآمدن جمهوری اسلامی است و

در مجموع آئین نامه ای که به صورت «ساز انقلاب فرهنگی» رسیده و برای اجرا در اختیار دانشگاه‌ها گذاشته شده است، به شیوه‌ای ترسناک و «ظلم» تشبیه خواهد شد. «صدام» جمعده کم از دانشجویان خواهد گشت و از حاکمیت ما زکا و سیاست‌سازی پوری کنند.

«مجموعه نمونه» ساز انقلاب فرهنگی» روزهای دانشگاه‌ها سوظن شدند. حد اکثر ظرفیت نام «کمیته» های «ایلمی» خود را برای تشبیه دانشجویان متخلف تشکیل نمودن. های «فاینین» در (ساز)

چون تغییرات استبداد (استبداد اول) «تغییر است» که «سیاسی و انقلابی» عنوان شده است، برگزاری اجتماعات غیر مجید دانشگاه بدون رعایت مقررات دانشگاه، توهین به مقامات جمهوری اسلامی و ایجاد ضرب و جرح علیه مسئولین و کارکنان دانشگاه (پهلوان) مزدوران و «اصولان رژیم» (نظام) و عدم رعایت پوشش اسلامی ذکر شده است.

در رابطه با کفایش مجدد دانشگاه عمومی جامعه ای رئیس جمعیون رژیم گفت: «روز دانشگاه‌های ما به مرافقت تلاش و دولت همه جا نبرد نگری اختراع دارند». او گفت: «زبان عربی کلید گشایدن های معارف اسلامی و زبان بین و قرآن است» و «روحانی» دانشگاه‌های ما باید جهت گیری اسلامی یابد.

«دانشگاه» که همواره سنگر سارو و آزادی بوده است و آگاه به سرحد فرزندان سپستان را به جامعه روانه کرده و در سالهای سیاه رژیم مزدوران شاه یکی از مراکز بسیج مبارزین جبهه خلق ما بوده است. «دانشجویان» رژیم جمهوری اسلامی می خواهند آنرا با تصویب آئین نامه‌ها و تشکیل کمیته‌های از مزدوران خود و سایر فرهنگ ارضای اسلامی این به نظمی برای ایجاد پولید خود تبدیل کنند. ولی نهی خیل باطل، دانشگاه همواره سنگر آزادیگان بوده است. اگر اسلاف خیمین بلاد در گذشته نه چندان دور

توانستند با وجود آوردن آفرها و ... دانشگاه را آرام دارند. این مزدوران اسلامی «سپه» این نیز نخواهد خواست.

سها جیت به شهروندان

مشکل سها جیت به شهروندان سرگزی به نظر نگارها، اختیاری است. استوان رژیم مشکلات فراوانی را بوجود آورده است. «سپه» این اختیاری تا پیش از «سیاسی» جریا به تارک و استبداد و جنگ ایران و عراق و نیز سرحد ملقا را زیاده از هزینه کشور جهت تبلیغ و سرکوبی طبیب با عت گرفته شده بود. «سها» جوان از سرگزی شکم خود گشته و روانه شهرهای مرکزی از کابل شهران بود. «گرفته» تا بتوانند زندگی «سها» و «سپه» خود را «سها» بعد از همین رابطه مسئولین رژیم جمهوری اسلامی چه از طریق بلندگوها یا تبلیغات خود و چه با تحویل به سرکوب می کنند تا مانع از مهاجرت نبوده‌اند. «گرفته» فریاد ندادن شهران بر همین رابطه میگوید: «سها» خیم که «سها» شرایط سختی هستند. شرایط جنگی است و این انتقال همه نظور گشته است. «سها» هر روز مشکلات را تحمل کرده اند. این شرایط را از این جهت هم تحمل خواهند کرد.

شناخته شد^۱، حمید با شناختن حمید رژیم جمهوری اسلامی پس از سرکشیون انقلابیون و کشت و کشتار وسیع^۲ که در عرض ۹ سال در سطح جامعه انجام داده و هنوز انجام نشده است، برادران را با همه اینهاست فداکاری بود. با هر اینکه همچنان ...

مقاومت و مبارزه انقلابیون و شعبه خود را در خطر میبرد ...

شیوه نویسی را برای همه کنشگران فرآوردن و شناختن انقلابیون بکار گرفته است، علی عادل یکسری از سران رژیم وابسته به آمریکا: لایحه جمهوری اسلامی که دست معاون وزیر کشور و سرپرستی سازمان شایسته احوال را تهیه کرده، اعلام نمود که^۳ کلیه شناخته شده طریقت و سوال و در ۳ مرحله جمع آوری و شناخته شده های حمید ما را خواهد داد. و هم اکنون ۴ میلیون شناخته شده حمید جمهوری اسلامی آمده، توزیع می‌شود. او همچنین گفته که^۴ پس از ترویج طرح حمید معجز شناخته شده های حمید زحمت مجلس شورای اسلامی تمام و تمام خانوادگی اختصاصی که در رابطه با فرهنگ، تربیت و با فرهنگ اسلامی مطابقت دارد، تعیین و همه آنها را اسلامی شایسته خواهد بود^۵.

واقع است که هدف رژیم از ترویج شناخته شده ها به این جهت است تمام می‌شود تا آنها بتوانند کنشگران دقیق تری از افراد داشته و اطلاعات لازم جهت تعیین افراد تا این ساله زمین داشته باشند، ترویج تمام اعضای نه اعلام و اعلامی سران دربار حمله ای

نیگاری است شناخت این گونه ها هوام می‌بینی ها و تحت لوای اسلام همی برتاده سرکوب خود را بصورتی که نظری به بیکی برتاده همانگونه که فرمایش نبش از جبار سال تحت لوای اعلام بیخترین جنایات را شنیده می‌بینم انجام داده اند.

روش ترویج شایسته در جمهوری اسلامی

نقش است که رژیم شرط ترویج و شناسایی بدنی و تشکیک برای ناخشنودی سنگین از قبیل کامیون و دریلر را، حمل بار داخل ماهی نه بکار بسته بند نیز و مناطق جنگی کشور قرار داده است.

در همین رابطه چنانچه که می‌نویسد از رفتن در مناطق مذکور خودداری کند مجبور خواهد بود که لوازم بدنی و لاستیک مورد نیاز ماشین را در آنجا از بازار [بازار سیاه] تهیه نماید و قیمت یک آمپله بر اساس سیاه به ۷۰ هزار تومان نیز میرسد.

روابط جمهوری اسلامی با اسرائیل

(گروهبانان نیس ما نیسوز ۳۰ ماه)

• یک روزنامه اسرائیل نوشت:

اسرائیل و گروه نیس قیمت ترویج اطلاع و به ایران دوسر بر کرده اند.

• همین اکیس نظیر سابق آمریکایی در هرسقان: "اسرائیل ترویج اطلاع به ایران را افزایش داده است". سخنگوی وزارت خارجه

آمریکا در این رابطه گفت: اظهارات مربوط به تحویل اسلحه اسرائیل به ایران را نمی‌توانیم تأیید کرد.^۶

• اکیس که اخیراً از سعادت به کشورهای خلیج فارس بازگشته است اظهار داشته: هواپیماهای آو-۱۹ که آمریکا شایسته در این هواپیما - های اسرائیلی را رفته است گفته اند که به صورت فرار لبنان و سوریه به جنوب عراق پرواز میکنند و بعد از آن راه را آواکس ها آنها را گم کرده اند^۷، هموزد^۸ و اسید راه های عراق نشان داده اند که هواپیماهای اسرائیلی از آنها به ایران برانده شدند.

تیم ملی

دوستانه با خدمت رژیم می‌فر ۱۲ ماه به این شایسته بکار کشید و همه ای زخمی و تعداد زیادی کشته شد.

به بند به گفته مقام عالی پلیس تهیه یک گروه مسلح سوید گشت پلیس آفاق کشور. این واقعه در یکشنبه^۹ که در تهران در قسمت شرقی شهر، با گواشاقی اتفاق داد که در روز استواران این قسمت از شهر شرفا و وسیع صورت می‌گرفت و پلیس ۳ نفر از نظامی - مسلمان را هدف گلوله های خودخوار داده و کشته بود. پس از حمله این گروه پلیس به تعیین این گروه پرداخته و یکسری آنان را مجبور اما با گلوله قرار می‌دهند.

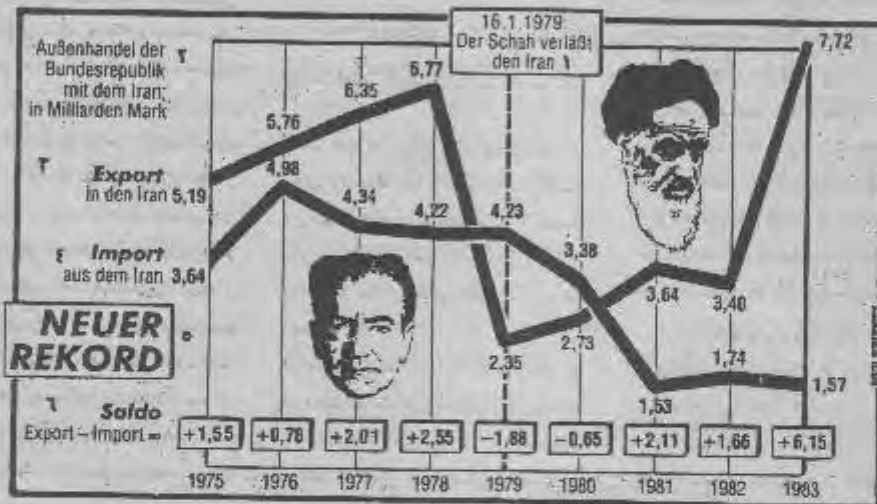
به رژیم با تکیه چنانچه در به تشخیص و فرستادن شهر بزرگ شایسته اعلام حکومت خلاص کرده است. این حرکت ناخوش

علاقات و واردات رژیم

رژیم جمهوری اسلامی که فرستاد
 "فد امپریالیست" یونانی کوشش
 را کر کرده است و دولت های زحمتکش
 چینمان را بطرف کوبا گوی و دعوت

لوی "سارزه" فدا امپریالیستی
 خویشتن زهر شوخ فداهای افغانی
 و اجتماع قرار میدهد هرروزه روابط
 پشت پرده ایران با کشورهای کوبا گوی
 امپریالیست آشکارا شده کشور
 فداهای منفی خرید اطمینان آمریکا
 انرا شیل - کره جنوبی و

لیگر بر کسی پوشیده نیست
 مجله آلمانی اسپیگل، گزارش میدهد
 جدید زیر را انتشار داده است
 همانطور که ملاحظه میشود واردات رژیم
 از سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۳۰ میلیارد مارک
 آلمان به ۷۰۷۲ میلیارد مارک فرمال
 ۱۹۸۳ افزایش یافته است



منبع: مجله آلمانی اسپیگل (Der Spiegel)

- ۱- ۱۹۷۹/۱/۱۶ شاه ایران را
 شرکتی کند
- ۲- تجارت خارجی آلمان
 با ایران به صلیبارد مارک
- ۳- صادرات به ایران
- ۴- واردات از ایران
- ۵- رکورد جدید
- ۶- با قیمت نده صادرات از
 واردات

چنانچه ساله به کشور بزرگان شد و ایران
 تقاضاها ۲۰۰۰ هزار نفر شرکتی کنند
 پلیس امنیت تیلیس با کار افکار آفرین
 جفا تقاضا فرزندگان جمله وور شده و فر
 ادر شیراندازی پلیس چند نفر کشته
 و زخمی شدند. در همین رابطه منابع
 بزرگان و فرمانی اطلاع دادند که
 تعداد کشته شدگان به شش نفر رسید
 است که فرمایان آلمانیک از ۸۵ ساله که
 بر اثر زخمی گان از انفجار کشته شده
 است وجود ندارد

چونگیری از گذشتن سازمانت شوه عس
 صورت گرفته است. ارتش و پلیس
 با همکاری یکدیگر در انجام
 مقررات حکومت نظامی شوه اند
 به تر اثر انداز مو بمب در جنوب
 یانشاگو - تر سیر خط آهن - رفعت
 و آمد قطار به جنوب تیلیس قطع
 گرفته است -
 به در خلا عری که در ۴ مایلی شمال
 مانده گسور پس از مواج شیب

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

اخبار جهان



- ۱- صادرات ۱۹۷۳-۱۹۸۲ به میلیارد دلار
- ۲- سلاح برای کشورهای در حال توسعه
- ۳- صادرکننده
- ۴- گیرنده
- ۵- آلمان
- ۶- آفریقای سیاه
- ۷- آسیای جنوبی
- ۸- آمریکای لاتین
- ۹- آسیای شرقی
- ۱۰- آفریقای شمالی
- ۱۱- خاور نزدیک
- ۱۲- بقیه

مخاطبهٔ سلاح در جهان از منبع کنترل سلاح و طرح علاج فرگزارسی دارند. نمودار تاریخ ۱۹۸۲-۱۹۸۳ میزان سلاح در دنیا را بسیار زیاد اعلام کرد. چنانچه منبع میدانی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۸۲ بود. سلاح در کشورهای صنعتی چنانچه ۲/۴ در کشورهای فقیر در حال توسعه (بخش عقب‌نمانده شده) و درصد بالا رفته است. بزرگترین مقدار این معاملات سلاح با سایر توسعه یافته که میزان آن تقریباً ۴ درصد کل سلاح را شامل می‌شود.

(روزنامهٔ «ترین» ۱۸/۵/۸۲)

ایرلند - روز ۸/۵/۸۲ برابر شد با نمودار بسیار به «سنگار» گذاشته شد توسط IRB برقرورد سمفون و ۲ نفر پلیس کشته شدند.

کارشناسان جنگ روانی ژنرال «رولف» لوبون ز «مور» فرمانده ارتش گواتمالا اظهار داشت: «روش‌های» مشخص جنگ روانی هستند. «ما بر این باوریم که از تجربه آنچه» به گفتهٔ کرمان در «بند» مفاضا دولت‌های غیر ۲۸ «ویژگی» این ده‌دهنده گینه امیران گواتمالا بوسیله کارشناسان تابوانی برای به پیش شدن وضع ارتش سوریه خواهد آمد.

«صاف» مریخی فرانسوا «به» در روز «۳» به مملکت آلمانی «فرانک» «پست» آن

در سندوی فعالیتهای نظامی بهترین فرصت است. «مجلس است که نظر و اشتغال لایس از طرف نیروهای نظامی آمریکا و عمدتاً واحدهای لشکر ۱۱۳ بیاید نظام آمریکا نیز با خانه و هندو برای سوریه میگیرند فعالیت عملی نیروهای ترکیبی سوریه-لیبی آمریکا در این مناطق جهت آماده نمودن نیروهای آمریکا، لیبی و روسی امیرالیه برای سوریه ترکیب هموزن جنبش انقلابی مسلحان است که بر سر منافع آمریکای مرکزی راه اندازد. «بورو تا گوان» «عساکر» «فران» گرفته است. «طبق» «انبار» «توسعه» «گرو» «رنگ» «امپریا» «لیبی» «توسعه» «لیبی» «این» «عملیات» «فران» «عملیات» «مطابق» «ت»

«تعمیر» «مجلس» «صاف» «فرانسوا» «به» «در» «روز» «۳» «به» «مملکت» «آلمانی» «فرانک» «پست» «آن»

نظم من آمریکا توسط کابینه ریگان است. هر ماه های اخیر پانزادگونی بلد شیکه بلد هوای برانک ایالت میجیسیزات و میماند برای کتب های آموزشی غیر منظور، میماند در کمال است... هفته گذشته هفته دیشتری نظم من آمریکا، به منطقه واریز شده، اینفلوئنزا، است. توسط نای هوا به واسطه "آمریکایی" (Abvica) و - کتبی، انگیزه و هفته آن صورت گرفته است.

"نیروهای نظامی و وکیل و جمعیت جدید در هندوراس به آمریکا بستن امکان را میدهد که فرهنگتیبهای ایدئولوژی، شغلی، فعالیتها، راهها، کند. این پانته و از یادها همهای هوای "بالور" هندوراسی، هوای های مایوسی و شتابان آمریکا سر فروز ایدئولوژی پرواز و بهشتا ساش و کتف مناطق و پیگامیه و شونهای چریکی می برده زنده همین "و سر بید و اعتدالی - مایوسی به بالور" فرستاده شد و هفته گذشته وزیر دفاع آمریکا (واستریگر) - سیرزولیک گفت که وایندی پیسروان مایوسی - پروازها، برای کتبی، با یکا های چریکی انجام داده است.

ا جمله سیرزولیک ()

گزارش بزرگتری از ملیت به نظم من نیروهای انقلابی ایدئولوژی میماند که در هندوراس El Salvador Link فورس در تاریخ فوریه ۱۹۸۲ آمده است.

منه ای جدید در جنگ راه شیکس
ایدئولوژی
یکی از پیگامیه های جدید F.X.L.N. که بنام "تعداد تمام طبق بر طبقه

مجلس "میریا لیم" تا چیروزی است. در تاریخ ۲۰ مارس ۸۲ با گذشتاری شده است.

اولین مانور نظامی این پیگامیه با شعار "تعداد ما تکت میکتا شورکو و تیاوز امیریا لیم لواحد بسوز" آیدارگشته. در مدت ۱۲/۵۲ وقت مجلس فرمانده Diaz Rodriguez که یکی از فرماندهان F.X.L.N. میباشد دستور عمل را به یکس از واحدهای نظامی داده هدف حمله شهری با مکان El Paraiso در ایالت Chatachango واقع در ۳۰ کیلومتری شمال پایتخت بسوز.

El Paraiso یکی از چهار محقر است و با نه نظام بوده که حاصل ۲۰۰ "تکت" و تربیه ۱۴۰۰ سرباز می باشد. در حقیقت گرفتن این با مکان نسبی، آن کل نقشه گرفتن بسوز Chatachango بسوز.

علاوه بر این، حملات بر سر فرمان شهر بر طبقه این با مکان و همچنین حمله به خط مایوسی بلد Sachico و گارد ملی که تربیه به ۱۲۰ نفر بسوز در آنجا بوده است صورت پذیرفته.

بر اساس اطلاعاتی که بسوز F.X.L.N. داده شده است شیکه این حمله کیه ۲ ساعت بطول انجام مید بشن بسوز به بوده است.

اولین قدم در رابطه با گرفتن El Paraiso حملات شیکه بسوز بسوز چو خمپاره انداز ۸۱ م م - ۶۰ م م و ۱۱۰ م م - بسوز.

فرمان برگیری ۳۰۰ نفر از سرفوزان کتبه و زنی هفتاد نفر بین کتبهنگان کتبی Joes Ricardo Cuyveren (کسی که دستور حمله مارس ۱۹۸۲ را داده بود و در آن عسکرنگار هلندی کتبهنگان بودند) وجود داشت. طبقه سربازان

به میزهای هندوراسی و غیر Phatocenmax که زیر مایوسی F.X.L.N. حضور یافت گیربختی.

فرمان حمله جمعا ۳۱۱ هدف اصلیه عویط نیروهای F.X.L.N. مایوسی شد که فرج آن جفران زیر می باشد.

۳۰۰ هدف تکتیکه
۶ هدف کالیبسی
۲۰ هدف تکتیکه های مایوسی
۷ هدف سوپ ۹۰ م م

۲ هدف خمپاره انداز ۸۱ م م
۳ هدف خمپاره انداز ۶۰ م م
۱۱ هدف ۷۹ - ۸۰ سربازک رسیده
۱۰ هدف مسلح - م م

۱۷ هدف P.R.U. و امیوی ارتباط نظم من علاوه بر اینها با مکان و طبقه خانواده آن و همچنین تو و میله نقلیه ارتشی و ۱۰ کامیون حمل و نقل مایوسی و اتومبیل امیون که ط از این برده شد.

بعد از پایان عملیات و امیوی که را با تقواریتیبی "شیکه" فرستاده و امیوی F.X.L.N. اعلام بسوز که نیروهای انقلابی با موفقیت به پیگامیه خود بازگشته است.

فرست پس از پایان عملیات بسوز به منفه انقلابیون رژیم بسوز را ن مشاطون مکتوسی را و مشیانه آسان نمود. شاکتیبی که بارها بسوز بسوز رژیم مزدور بکار برده شده است.

راصوبه را با تقواریتیبی اعلام کرد که عملیات El Paraiso آنسان حرکت جدیدی در جنگ راه شیکس طبق ایدئولوژی است. محتوی "بستن بیطرفت پیگامیه اشتراکسوزی صحیح" جمله گروه و قدرت حرکت مایوسی به مایوسی گروه ط بوده است. اگر چه هرگز در تاریخ مبارزات طبق

«سالوادور فور چسین عملیات گسترده‌ای
 انجام داد. تمام گروهای
 شورک با این مورد این عملیات
 فقط در ساعت لازم داشتند تا اینکه یکی
 از باغک‌های مهم تصرف کردند. اگرچه
 این باغک یکی از مدرنترین و بهترین
 دارای حرفه‌ایان تعلیم دیده می‌باشد
 و گفته می‌شود که رهبران نظامی آمریکا
 در سالوادور فور این باغک با یکی
 از شرکت‌های بازرگانی با نام سپا
 بوده است.»

معاذیر و باطل نظامی و اخراج فضای
 مفرق آمریکا در بوسلف F.S.L.R. باعث
 تقویت موقفیت آن‌ها گردیده است. دولت
 آمریکا معترضین و علمی‌ترین
 جناح اشعه برای F.S.L.R. می‌باشد
 در حالیکه قوت‌های نیروهای خلقی
 هر روز زیادتر می‌شود. دولت و ارتش
 روز به روز روضه افشان بر آنست
 می‌کنند. بطوریکه در می‌باشد
 El Paraiso حرفه‌ایان زمین‌های
 بودند که از روسوئین و با انگلیس
 با نیروهای F.S.L.R. قوی‌تری
 می‌کنند و با به فرار می‌گذرانند
 جنگ‌های خیرگی شبکه سراسری Sanprey
 - نام کرد که به خطه به F.S.L.R.
 کنونی F.S.L.R. می‌باشد. در
 پهنای میدان مبارزه شروع کرده است
 و در نواحی پایین وسیله ارتباط و
 در همسایگی باقی را بین نیروهای
 نظامی اثر بوجود آورد.

شماره‌های خبرگزاری‌های
 آمریکا در - موفقیت‌های F.S.L.R. توسط
 مستشاران آمریکا در سالوادور
 ناآشنا شده است. این مستشاران
 «شماره‌ها گریستند که چگونگی سالوادور
 کنترل سراسری چه عمال کشور را در
 دست داشته و خواننده شد حوصله

ارتباطی تا عهد مرکزی و غربی کشور را
 برقرار می‌نماید. نیروی بزرگ خطه
 به باغک El Paraiso و اقدامات
 Chatatanango چونه عالی این بررسی
 نظامی را به خوبی نشان می‌دهد.
 شهر، انقلابی نیروهای F.S.L.R. از
 سیمای گذشته تا کنون نیروی مسلح
 نظامی را هر چه بیشتر بحالت نظامی
 فرو برده است.

شورای پیوند گرفت. در این پس
 ۴۰۰ حرفه‌ای دولت، معادله می‌کنند.
 معارج چارناری، پیل مذکور بنا گرفته
 عقاید دولت، معادله A میلیون دلار
 آمریکا می‌خواهد بود.

تشیخ جنگ بکانه در سالوادور
 F.S.L.R. در سال ۱۹۸۲ ۷۰۰۰
 نفر حرفه‌ای دولت را کشته و چارناری
 گرفته و همچنین ۱۷۸۱ نظامی را کسر



گرفته اند. ۶۶ منطقه را به تصرف
 خود درآورده ۲۲ پل را خنثی
 کرده و ده مرکز برق رسانی و مقادیر
 زیادی برجهای برق نوی را نابود
 کرده اند.
 چریکها همسین قسمتها را از بهترین
 راههای زمین شرق کشور پان آمریکا
 و راه ساحلی را به کنترل خویش
 برآورند و بعد از آن را قطع
 و شعله‌های از پلانهای قبیله
 را از زمین برده اند. هر ای
 عملیات تا ۲۵۰۰۰ اشعه سبک و ۲۵۰ اشعه
 سنگین به اسبند گرفته شده است.
 (نقش از روزنامه
 تاریخ ABC)

در رفته تا عهد اعلی که در نقل و
 انتقال اقتصاد و نظامی برای
 «پان آمریکا» از اهمیت خاصی
 برخوردار است از سالوادور عبور
 می‌کند.
 یکی از اشعه در اشعه ساحلی با سفید
 و دیگری از راه کشور می‌گذرد. پیل
 «پان آمریکا» اولی در اکتبر ۱۹۸۱
 توسط نیروهای انقلابی منهدم گردید
 که این خود باعث شد تا بخشی
 صفتی از و باطل تقویه تجارتی از
 راه‌های Pan American صورت
 پذیرد. در ۳۰ ماه ۸۲ بر اثر
 «پان آمریکا» توسط
 نیروهای انقلابی F.S.L.R.
 بر روی تاسه‌ها، بوم نقل نظامی و
 و اشتغال تجارتی و نظامی وضعیت

بررسی

مرحله انقلاب

(۲)

در بحث نخست این مقاله که در شماره شماره یک
درج گردید توضیح داده شد که انقلاب بورژوازی دمکراتیک
کلیس صورت تاریخی مرحله مشخص از دوران حکام
جوامع طبقاتی بوده که با رهبری بورژوازی و به سلسله
طبقات زمختی جامعه به انجام می رسد.

با انجام انقلاب بورژوازی و استقرار نظام سرمایه داری،
هر یک هر چه نگاه می کرد انقلاب کارمندان به مرحله
آنتی گونیم نگاه می کرد. تنها راه گذار جامعه بسوی
تکامل بعدی از طریق انقلاب سوسیالیستی، توسط طبقات
کارگر می باشد اما هر برقی از جوامع، علمبرقم آنکه
سرمایه داری رشد کرده باشد، باقیل آنکه بورژوازی خوا
نست با یک انقلاب اجتماعی، تکامل همه جانبه و طبیعی
جامعه را بوجود آورد و پس فرایمی که بورژوازی هیچگونه
خطت انقلابی نداشته و خود بخاطر ترس از پروتاریستا
با طبقات ارتداسی جامعه به سازش می پردازد، وظیفه
تحول دمکراسی به عهده پروتاریستا می باشد. هر ایمن
گونه جوامع (مانند جامعه بوسه آلمان) پروتاریستا
با هیچ خلفان و زمختان شهر و ده و برقراری
نیکت توری کارگران و دهقانان، انقلاب دمکراتیک را به
عنوان یک مرحله گذار بسوی سوسیالیسم به سرانجام
می رساند این تر که تا قبل از انقلاب توری تنوی نگر
میست بود توسط لنین آموزش کار کسیر پروتاریستا
به کلیه کارکنان اعاده گردید.

با گذار سرمایه داری دوران رقابت آزاد به مرحله
سوسیالیسم و پرورش سیاسی نظامی آن به جوامع کس
داری میوه تولیدات عقب مانده تری هستند. سوسیالیست
به مانع رشد و هکولاسی این جوامع شمول گردید. سیر
رشد تکاملی این جوامع را مختل کرده و فرجیت اقتصادی
کشایم و انگلی موردی میهد. به خود به فقر میرا
لیسم هر جوامع تحت سلطه تها د املی در کلیه این جوامع
بین سوسیالیسم و خلق می باشد. فی ایضا سوسیالیست
وظیفه تا بود کردن جوامع تکامل جامعه و هر واقع حیل

تهدا املی راه سوسله انجام انقلاب دمکراتیک طریقی است،
حیله دارد. پروتاریستا با هیچ دهقانان زمختان
شهر و ده به جنگ با سوسیالیسم و طبقات و بسته به آن
برداخته و با سرنگون کردن آنان و برقراری سوسیالیسم
دمکراتیک خلق انقلاب را بر جهت اول بسوی سوسیالیسم
آمده میهد.

مرحله انقلاب جامعه ما چیست؟

تا هر بررسی مرحله انقلاب این مسئله را نشان دادیم
که همواره هر این سوسیالیست و تعیین دقیق مرحله انقلاب
ایستادگی و تحلیل شرایط تاریخی، اقتصادی،
اجتماعی و تعیین تهدا املی جامعه و بر تعیین تعیین
عده قویان و دشمنان انقلاب قرار گرفته است.
ما خود به این مسئله ایمین و از آنجا که جامعه ما نیز
بعضی یک جامعه طبقاتی، از طبقات و قشرهای اجتماعی
با خواست ها و منافع متفاوت تشکیل گردیده است نمود
را بر موی بررسی مرحله انقلاب — زمین مبتدا قرار
میگیرد.

تکالی اجتماعی به تاریخ رشد سرمایه داری در ایران
و بویژه رابطه سوسیالیستی با جامعه ما نشان میهد
که جامعه ما از سیربان مورد پرورش سیاسی نظامی آنجا
فرز گرفت.

ذاتر طبق طبیعی و مولعیت جنسای ایران، فارغی
از خدای را به حرم و وقع بیشتر برای تصاحب ایران
و امپراتوری. اما رقابت سوسیالیستی و بویژه سوسیالیسم
فهرتند رومیه تزاری و انگلیس با ما شد تا آنجا شود
سند ایران را به یک جامعه مستعمره تبدیل کنند، بلکه
آنها با کما به فکوره نسیم سوسیالیسم و فرجیت تولیدات
آنها و همشین سرکوب مردم زمختی ما و تلاق برای نفوذ
سختی در قدرت دولتی ما هم به رقابت پرور شدند. حتی این
رقابت سوسیالیسم را رسید که ایران عملا بین دو
سوسیالیسم روسیه و انگلیس تقسیم شده بود. فرجیت

تا یکی از دلایلی که ما همواره به بررسی رابطه سوسیالیسم
و چگونگی این رابطه فرما همه ایران فرجیتها می بود
بردا ریم، بخاطر سیرده فنیای کارکنان توری و بورژوازی
اکثرت سیردهای سیاسی از سوسیالیسم و از رابطه
سوسیالیسم با خلق ما است.

روسیه و در جنوب انگلیس، ابتدا* امپریالیسم روسیه
 هژمون را بر مائین دولتی بست آورد و ارتش فدرال را
 جهت حفظ و توسعه سلطه فئودالیسم بنیان گذارد. روسیه
 تزاریستی امپریالیستی با سرکوب جنبش، با تعدد و
 گریز عرصه فعالیت اقتصادی برای بورژوازی ملی ایران
 و گسترش بورژوازی کسیرا بر تریاک سلطه سیاسی فئودالی
 هرچه بیشتر خود را هموار کرد.

بورژوازی فئودالی امپریالیستی در آستانه انقلاب
 مشروطیت در عرصه اقتصادی - سیاسی جامعه بطور بسیار
 روشنی نمایان گردید. هر فرایندی که زمستان در فوژنیس
 بود فئودالیسم هر روز بیشتر به نابودی کشیده می‌شدند
 و هر شریکی که ایران فریب و تابیده انقلاب فیرآسیز
 می‌ساخت، امپریالیستی با حمایت نظامی و سرمایه‌ریزی
 اقتصادی خود آن فئودالیسم، جنبش را به شکست گذاشتند.
 بورژوازی انقلاب کسیرا کشور و لغو کلیه امتیازات و معا
 هدات و همچنین مقاومت برخاسته شده در برابر ارتش
 تزار، مانع ادامه کاری این نیروی نظامی گردید و
 سرانجام امپریالیسم انگلیس که قدرتمندترین نیرو
 فیکر رفیقای خود بود، با کوشش‌های ۱۹۰۹ و سرکوب آذربای
 زن و کان مرمر و تشکیل ارتش روسیه استقرار سلطه
 خود برداشت. با این خسیرت قدرت سیاسی فئودالیسم حاکم
 اما با امپریالیسم تقوی شد. دولت زمان که در حقیقت
 انعکاس قدرت اقتصادی امپریالیسم جهانی بود و فئودالیست
 حاکم امپریالیسم هر جیت تابع آن و هموارگردن راه
 رشد سرمایه‌داری وابسته و نیز سرکوب جنبش فئودالی
 و نیروهای آرمیخواه و بطور کلی بوی فاین فاقسود
 جامعه بر جهت اقتصادی امپریالیستی را به بنده داشتند
 مضاف فئودالی از طریق این قدرت مشکل مرکزی طاقت
 می‌شد و فئودالیسم به فئودالیسم وابسته تبدیل شد و هر
 کجا هم که از این وابستگی برپا زد سرکوب گردیدند
 در حقیقت این امر یعنی مارتین موشی با فئودالیسم و
 طاقت از مضاف او یکی از مملکت‌های امپریالیسم در
 بحر و روش مضاف حقاً مانده می‌باشد. امپریالیسم
 با تکیه به قدرت اقتصادی و سیاسی خود بر فئودالیسم
 ارتقا می‌ترین طبقات و فرایند فئودالیسم تکیه می‌کند
 و از آنجا که فئودالیسم نیز امپریالیسم را جبرستن
 می‌تواند در مقابل جنبش زمستان من بنده با استوای
 مختلف امتیازات میدان ساخت و کار را برای فعالیت

* استثمار در کشور خود فراهم می‌کنند. هر چه پروسیه
 امپریالیسم امکان می‌یابد تا به بهترین وجه ممکن رفقای
 داخلی یعنی بورژوازی ملی را به تدریج تضعیف نموده و از
 میدان خارج کند و به تدریج با حضور و جهش سرمایه
 طبقه بورژوازی وابسته را فراهم می‌سازد موجود آورد.

در جریس تاریخ رشد سرمایه‌داری جامع کلاسیک نشان
 فالیسم که فراتر از جامع بورژوازی و سرمایه به مضاف
 دهقانان هژمونیک تریاک فئودالی بورژوازی جوان به اختیار
 با کارگران و دهقانان دست می‌زند تا سلطه مطلقه
 فئودالیسم را بنا برود کند بر آجا در پروسیه و اوستریا
 بورژوازی با فروتنی کلاه‌های خود به فئودالیسم و با نسیه
 خدمت گرفتن از او تولید فئودالیسم به گسترش و شکست
 روند تولیدی خود برداشت و رژیم فئودالیست را به
 زیر بار فری خود قرار می‌دهد تا با تضعیف پایه‌های
 اقتصادی، با استیلا سیاسی مادی فئودالیسم را تا بنود
 کند.

ولی هر جامعه تحت سلطه امپریالیسم و از جمله ایران
 ما با شرایط فیکری روسیه هستیم - در اینجا قدرت دولتی
 در اختیار امپریالیسم قرار داده سرمایه امپریالیستی
 با فئودالیسم متحد می‌شود تا در مقابل خلق از مضاف
 کند. در اینجا ما با رشد و فوژنی بورژوازی ملی
 روسیه نبوده بلکه خود این بورژوازی تحت سلطه فئودالی
 سرمایه‌داری است که در حد توانی رشد و تکامل خود است
 قرار داده فرایند فئودالیسم پروسیه و روسیه / سه
 فرایند بورژوازی نوپای داخلی بلکه فرایند سرمایه
 امپریالیستی قرار دارد.

لشکر بیرون این رابطه وابستگی که با ظهور امپریالیسم
 وجود می‌آید می‌گویید:

« سرمایه‌داری و سیاست بین‌المللی مربوط به آن گسسته
 شامل مارتین فوک نظام در راه تقسیم اقتصادی و سیاسی
 جهان است، به سلطه مملکت‌های استعماری وابستگی دولتی
 وجود می‌آورد. طاعت مملکت این دوران تنها وجود و
 گروه اصلی از کشورهای بخش گروه کشورهای مستعمره‌دار
 گروه استعمرات نیست، بلکه وجود شکل‌های گوناگون
 کشورهای وابسته نیز هست که در صورت ظاهر استقلال
 سیاسی دارند ولی عملاً در دام وابستگی داخلی و بین‌المللی
 گرفتارند. » (امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله

سرمایه‌داری - ص ۴۳۳

فرهنگ و این واقعیت است که می بینیم، آن سرمایه - ای که هر جامعه ما رشد کرده، نه سرمایه بومی که سر - سر - سرهای طبیعی و خاک ملی ما نمو رشد کرده باشد، بلکه سرمایه امپریالیستی است که حد میس از رشد سرمایه برای جوامع کلان را نشان داده و کیفیت و عملکرد اجتماع می تغییر کرده است هر نسبتی که ما با توجه به واقعیت شرایط تاریخی، اقتصادی - اجتماعی می بینیم خودبسته این نتیجه منطقی می بینیم که مرز این شرایط جامعه ما به یک جامعه مستقل بلکه جامعه ایست تحت تسلط که به وجود نیامده بود تولید ثروت ملی برده است اقتصاد ملی قدرت دولتی بر اختیار امپریالیسم قرار داده و جامعه ایران فراموش کرده که جامعه نیمه فئودالی - نیمه مستعمره بوده است. شرایط می انقلابی به شکل آنتاگونیسم نیروهای مولد و روابط تولیدی، جامعه را در بر گرفته انقلاب غیرآزاد را به دست داده و طلسمی بر این مرحله، تعاد بین طبق و امپریالیسم برپا شده که در حد جدی طبق، جامعه کارگران، معطل است، هرگاه بورژوازی و بورژوازی ملی هر قدر خلق و امپریالیسم و کلیه وابستگی (فئودالیسم و بورژوازی وابسته) هر قدر خلق قرار داده شده

تا سطح اکثریتی هر چه بیشتر سرمایه داری وابسته سرمایه دار جامعه ما، سازمان امپریالیسم به دیگرگون کردن روابط تولیدی فئودالی که اینک بر سر راه مداخلی قرار گرفته بود، قرار داد، این سیاست فروتنی جانگز میس و تحولاتی است که پس از جنگ دوم جهانی بر هر جرمه اقتصادی و سیاست بین المللی بیوقوف آمده بود.

ساز سرمایه داری جهانی به سطح اکثریتی هر چه بیشتر با راه های خود، امپریالیسم را بر آن داشت که مداخلی روابط تولیدی وقت ما نمو در جوامع تحت تسلط، شرایط سطح و اکثریتی سرمایه را تا اقصی نقاط توسعه - توسعه سر کشا و برزی و شورولک، روستا، هموار سازد. این سیاست فرکتورهای متفاوت و حتی از جمله زمین توسط امپریالیسم به انجام رسیده. این سیاست هر جامعه ما به انقلاب علیه به عمل درآمد.

فئودالیسم را به نابودی می گفتند. رفیق کبیر سعید احمد زاده در مقاله "فئودالیسم - فئودالیسم و همکاران" در تهران که نسبتاً تحویل شد، می فریاد می کشید که فئودالیسم در ایران می باشد، این موضوع را پس از جمع بندی می کند.

با متفاد ما این مدعا، احتیاج به اثبات ندارد که تسلط امپریالیستی تا سطح فئودالیسم است از یک طرف و سطح و تاریخی در تمام است.

با متفاد ما همبستگی فئودالیسم و امپریالیسم بلکه همبستگی موقتی و تاکتیکی است و خواه تا خواه نظام فئودالی می سطح نظام سرمایه داری جهانی به تفکیک تحلیل می شود (م - ۱۵۹ توضیحات شماره ۴)

با به پای تسلط سیاسی فئودالیسم تا انقلاب تشریح شده است و با کودتای رضاشاه، فئودالیسم قدرت مطلق خود را از دست داده امپریالیسم تقویب کرده. با تسلط قدرت مرکزی و نفوذ امپریالیسم، فئودالیسم جایش را پیش از مواقع قدرت نیروی احاطه شده از دست داده اقتصاد فئودالی با منافع امپریالیستی سرنگان قرار گرفت. اما آنکه رژیم مواجه با مشکلات ملی خود با سرمایه فئودالیسم احتیاج به نیروی خلق پیدا کند فئودالیسم را که تسلط کرده ای شده بود اما این کشور (م - ۱۶۰ - ۱۶۱ - ۱۶۲)

فرع انقلاب طبقاً همان طور که گفتیم، و طبقه پانگوشی به منافع سیاسی و اقتصادی امپریالیسم را بجهت داشت. هست اما می این فرع سیاسی اطلاع از منافع سیاسی به سطح به نیازهای اقتصادی سرمایه خدای بود و نفیست اصول رفرف می واقع هر برنو این هست سیاسی و جهت پاسخ گوئی به منافع سیاسی آن بوده است. طرح سیاست فاشی پروتاج برزی آموزی به بخش مفسر او رهنکاران به کس که بر این پروتاج راهی شهرت، مفسوت و سیروه های کار ایران را تهیه می کنند بوده است. حداقل دهه لازم و سراسر کار ما ایران و تکلیف پذیرفته داشته باشد و از طرفی ذنیت آنان را برای مفرات آه سازی امپریالیستی بالا میرود.

طرح با صلاح آن روزی که واقع رخا کران سیاسی در خدمت او نبود فرهنگ فئودالی و استفاده از نیروی کار آلمان در خدمت سرمایه بود. طرح با صلاح آموزش به نیرو قبیح شریعت درها و تکلیفین های ماهی سوی کار با تکنولوژی

از کشاکش دشمنان زحمتکشان برای ما بودی همه آفتابها
 اشتغال می کنند و در این کار آنها تمام قوای مسیود
 را برای بسیج زحمتکشان ایرانی برقرار می آید. فوجها
 پس طبقات انقلابی در کشورهای درگیر جنگ، برای سر
 برداشتن جنگ انقلابی به منظور ما بودی جنگ زحمتکشان
 زحمتکشان، که سالها دراز بر علیه آنها روزه داشته
 شد و تنها در شرایط خاصی شکل جنگ بین ارتشهای
 دولتی و ارتشهای مردمی پیدا می شود و بکار می نماند.

و علاوه بر اینکه انقلابیون مسلحین طبع و نفس انداخته
 این طبع، نه به مفهوم گذشته از جای رنج و غم
 و درازای روزها، نه به قیمت برجا نماندن حکومتها که
 ارتشها در قدرت است و نه به قیمت نابودی انقلاب بلکه
 طبع دستوراتی که به مفهوم دقیق کلمه.

اما همانطوریکه گفتیم در جنبش سیاسی ایران سرافراز بود
 جنگ ایران و عراقی نوعی پیوند آید، استفاده از دلائل همیون
 تفاوت رژیم عراقی با ایران، ملی بودن یا مشروعیت
 داشتن رژیم جمهوری اسلامی، دفاع از زحمتکشان و... عملاً

و طرفه دفاع از رژیم جمهوری اسلامی را به پیشبرد و بسط
 شکل متفاوت رژیم را در این مورد کمک کردند و استفاده
 که ابتدا بر تحویل علمی و واقعیت های فیزیکی جنگ ایران
 و عراقی و جنگی بین گروه های مالی امپریالیستها بر سر

مناقص خود در منطقه طبع از زیر پا گرفته ماهیت آنست
 ارتشهای خودت و طرفه خود را افشای ماهیت جنگ، بسیج
 توده مردم کمک به رژیم و... کلامه تبدیل جنگ به

جنگ داخلی از طریق گسترش جنگ انقلابی در درون جامعه
 برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و سرانجام ایضا طبع
 نیکتر، شک تمسین کردند. اما در طول جنگ، شعارها و
 اعمال و برتیاها که استفاده اول شکل عوض می کند و در ادامه

خود را سرانجام به "طبع" خواهی و با در حقیقت قطع جنگ
 بین دو رژیم ایرانی و عراقی کشیده می شود، ولی بسیار
 و میخک های بسیار تا در دست و در واقع عکس و عیان اقتضای
 های گذشته نسبتاً در شکلی نیکتر. بنابراین مسالوم
 می بینیم تا در حد توان خود و با جمالی رفته جنگ ایران

و عراقی و سپس مفهوم واقعی طبع دستوراتی که
 تصمیم برای هرک رژیم صحیح از ماهیت جنگ ایران و عراق
 نمی توان بدون شناخت و تحلیل از وضعیت اقتصادی - سیاسی
 امپریالیسم بعنوان یک سیستم جهانی و رابطه آن با

جامعه ما حتمی میمان آورد، نمی توان به تحویل و
 توضیح تغییر و تحولات او بر روی این مسئله که جنگ
 ادامه سیاست است با و جابجا دیگر است زد و از امپریالیسم
 لحاظ بعنوان پیوندهای که بهر حال نقش دارد سخن گفت و

است چنان؟
 واقعیت این است که ما سر دوره ای زندگی می کنیم که
 امپریالیسم بعنوان یک سیستم جهانی به مثابه تضاد
 همه با زحمتکشان در سطح جهان وجود دارد. این پیونده

تمام تا روی آورد حیات اقتصادی - سیاسی جامعه ما را درگیر گرفته
 و بهر آن جزئی از گتیک در این سیستم قرار دارد. مثلاً -
 برای این نمی توان تغییر و تحولات مسائل سیاسی ایران را
 بدون تحلیل از رابطه امپریالیسم با آن مسئله متفحصانه

بررسی و تحلیل علمی کرد. جنگ ایران و عراقی نیز در این
 در یک چنین رابطه ای قرار می گیرد. چرا که اگر ما سه
 عوارض فیزیکی / تبلیغاتی رژیم درگیر جنگ و با مثلاً اینکه
 چه کسی تهاجم کرده است و چه کسی دفاع می کند و یا
 "طبع" خوب است و یا بد. گفتا کنیم با طبع تحلیل ما بسیار

تحلیل علمی و نامرست خواهد بود.
 پس شک وقتی صحبت از امپریالیسم می کنیم متفحصانه
 ما تسلط سرمایه مالی بر جهان است. طبق سرمایه مالی

بروای فوج انحصار چند گروه سرمایه های مالی هستند که
 بخش وسیعی از کره زمین را بین خود تقسیم کرده اند.
 این گروه های مالی برای حفظ بازار و همچنین گسترش آن

ما هم به رقابت می پردازند. این رقابت نه رقابتی آزاد
 بلکه رقابتی است متکی بر میلیتاریسم - رقابت بین گروهها از
 طریق قدرت های دولتی و رتبه های سیاسی که میلتا ردهها

دلیل هزینه همال عرف آنان میشود که انجام میگیرد و در
 شرایط، آنها را به جنگ با یکدیگر میخاند. این جنگها
 همه تپوریکه لندن می گوید جنگ جهانی هستند بهر
 بوده داران برای تقسیم عادلانه برده است اما این گروهها

در کس داشتن رقابت و تفاد با یکدیگر وحدت نیز داشته
 و سازمانها و مؤسسات متعددی نیز برای حفظ این وحدت
 و استفاده از آن بوجود آورده شده. وحدت آنها در مقابله
 سازرات زحمتکشان جهان است.
 میلیتاریسم حیات استعزای امپریالیسم می باشد
 در هر دو شکل خود چه در شکل فیزیکی و چه در شکل
 های سرمایه داری و چه در شکل سرکوب جنبش انقلابی

کارگران و زحمتکشان، همانطوریکه گفتیم تو جنگ اول و دوم جهانی برآمده تاریخی از تحولات گروه‌های مختلف سرمایه‌داری هستند و جنگی‌های مانند جنگ فرانسه و آمریکا بر علیه خلق ویشام / یا مثلا ژاپن و آمریکا بر علیه خلق کره و ... یا سرکوبی‌های ارتش‌های امپریالیست‌ها در آسیای لاتین نمونه زحمت‌سپری استیفا بر علیه با زحمتکشان است.

اما حل تحولاتی منافع گروه‌های سرمایه‌داری مایل برود از کاندال مؤسسات خود آنها و بطور مساومت آمریز و یا از طریق جنگ‌های کشورهای متروپول عمیقاً بر دلگه پس از جنگ جهانی دوم این رقابت‌ها از طریق متفاوت و بخصوص از طریق جنگ‌های بین کشورهای وابسته به امپریالیسم با طاهر اختلافات مرزی و با مناطق الهامی و اسره انجام می‌پذیرد. این تا کنیک تا حد کوفته‌ها و حرکت از آلمان به جریان مشخص از بورژوازی وابسته در کشورهای تحت سلطه نیز پیوسته می‌رود. مثلا کوفته‌های آمریکا بر مورد برگرداندن سینه مزدور به ایران در سال ۳۲ فریاد تا کنیک است که جامعه ایران را پس از آن فرزند آن گروه از سرمایه‌داری مایل بران داد که قدرت برتر را در پس با بر گروه‌های مایل ندارد. بود. بر برتر این واقعت امکان را با بر این منافع مشخص امپریالیسم و زحم جموری ملامت سزیه عنوان یک رژیم و دسته از منطبق با شرایط و سایر زمینه‌های با تغییرات کنیک و با زمانه‌های نشان در سرقرریه دوران انقلابی ۵۷ - ۵۵ برای دنیا هم بیشتر به خلق بر بریکه رگه‌ها شده است جمهوری اسلامی تا حدی از میانه‌های امپریالیسم می‌باشد و عملکرد این سرمایه‌داری چه داخلی و چه خارجی در رابطه با منافع امپریالیسم است که مفهوم پیدا می‌کند / نه "مبارک‌ش" و نه "جنگ ظلمی خمینی" و نه "دور انقلابی خمینی".

بنا بر این جنگ ایران و عراق که فریب‌ها زمان است که داده‌دارد و در این علت است از نیم میلیون زحمتکشان این مزدوروم که به اجبار با ناگه‌ها نه به جبهه‌های جنگ روزه شدند و جان خوفا و است داده اند و هر ساله نیز از یک میلیون دلار هزینه جنگ ۸۰ از داخل جامعه و است و تن زحمتکشان غارت گشته و بطور کلی عاملی جز فقر و محم و استثمار بیشتر برای مردم ایران و محسرات نداشته است. بر طرفت ادامه می‌باشد است بین گروه‌های

سرمایه‌داری بین‌المللی بر منافع بیشتر منطبق علیه. تاریخچه این رقابت‌ها و کشاکش‌ها و بالطبع فرگیزی دولت وقت ایران با فولشوی خارجی به سمت زمانی طولانی بر سرگرفته. این رقابت‌ها زمانی بین روسیه، عراقی و انگلستان / زمانی بین انگلستان با آمریکا سرمایه‌داری بین‌المللی و مراعات بین انگلستان و آمریکا وجود داشت که پس از جنگ دوم جهانی و وضعیت برتر آمریکا نسبت به سایرین در رابطه با صدور سرمایه / این بخش از سرمایه‌داری بین‌المللی بعنوان قدرت برتر سلطه بلاشمار خود را بر سطح می‌گستراند. اما این امر به مفهوم این نیست که بقول لنین "بورژوازی برتر" که تا کنون از خون زحمتکشان متکیه است برای باز پس گرفتن و تقسیم ده‌ها "غارت‌ها" از این منطقه حرکت می‌کند.

بهر حال سلطه یک گروه از سرمایه‌داری بین‌المللی بر این سیم‌ترین بازار جهان و در واقع شاگرد می‌باشد امپریالیست‌ها نه تنها منافع این گروه را هر چه بیشتر افزایش داد بلکه مجموعه شرایط اقتصادی - سیاسی ناشی از این سلطه با این امکان را میداد که رقابتی دیگر و زیر قیاسیت خود نگاه دارد و دارا بودن این موقعیت برتر با امکان میداد که این سلطه را هر چه بیشتر گسترش دهد. بر برتر این تنها نبود که بر زمان شاه مزدور نیز یک سری ترگیمها بوجود آمد که بر انجام بسیار فرار داد الحزب که فر واقع شد تقوی جناح را استیلا بود به آن حاشیه داده شد.

اما همانطوریکه گفتیم / با وجود این وضعیت‌های دیگر از طریق متفاوت بر اساس سهم شدن در این غارت در تلاشند. بحراهای اقتصادی همه هفتاد و بار تا با این بحرانها فر کشورهای تحت سلطه نه تنها منطقه با تباها و طولانی کرد بلکه ترگیری و تهدادهای امپریالیست‌ها بر فر بیشتر بران کرده. این تهدادها که از طریق نمایندگان این جبهه‌ها که بر قدرت دولتی بران دارند خود را به اشکال متفاوت و از جمله اختلاف بر سیاست خارجی ما بر تاسه و تا کنیک‌های متفاوت نشان سفید و محزون مثال دولت مکان فر آمریکا / تاجر در انگلستان و آلمان و ... اگر چه از منافع کل امپریالیست‌ها بر است می‌کنند ولی خود نیز بعنوان نمایندگان گروه سرمایه‌داری

صحتند که رقابت آنها با گروه های دیگر و منافع مشخص آنها را محصور می کند تا سیاستهای متفاوتی داشته باشند. بعنوان مثال اختلافی که امریکا و آمریکا - لیتونی در مورد چگونگی دولت در لبنان داشتند. جناحی از آنان خواهان تقسیم قدرت بین بخشهای متفاوت سورزوازی بوده و بخشی دیگر فقط خواهان بر قدرت بودن آنها است.

سود وید مثلا جنگ بین کشورها است به "مهریالیسم" آروانشین و انگلستان - با بخشش ترغیب و وعده و همچنین "بی شایسته" منطقه رقابت بین گروه های ملی - سرری است. قدرت آنها را به منافع یکدیگر در منطقه خلیج میترمی شود در ادامه این وعده است که تکیه به ارتشها و ناوگانهای عظیم نظامی برای حفظ منافع هر چه بیشتر بصورتی که ای گویش خود را در همه سیاستشان مینهدند. امریکان قدرتمندتر در منطقه ابلانکامله با تکیه به قدرت اقتصادی و نظامی برتر خود در منطقه به مانور و صحنه آراشایی منطقه جنگ و تهیه امکانات لازم می پردازند. اما وظیفه دفاع از این استحکامات و منافع "مهریالیستی" را همان کشورهای وابسته به "مهریالیسم" منطقه بعهده دارند.

مثلا برای آن که امریکایی که تحت تأثیر مبارزات مردم ایران جنبش بوکل منطقه رومبه اختلاس در شهر بکن که فرگونسه اهدال از طرف امریکالیستها سعی به آزاد شدن "بنت هرگ" هایش میگردند و امر شریخی که هرگونه سستی جناح لائیک در منطقه منجر به "تقسیم باز" بین گروه های سرمایه دار بین المللی می شود و حتی رویزوشیها شوروی نیز از این خون بیضا بهره مند می شوند چه چیزی جز جنگ تمام عیار به خلق توازن قوا به نفع جناح برتر هست؟ و برای این موقعیت چه رژیم بیتر از جمهوری اسلامی که هم سرمایه دار "مهریالیسم" سرزور حرکت آرمینش نظمی مانده و هم انگار مومنان جهان و منطقه تحت تأثیر تبلیغات "مهریالیستیها" و بورژوازیها ساخت نرستی از رژیم شده اند؟ که در است تا این نیاز را رفع کننده بی شک رژیم جمهوری اسلامی - سوشالست محمل ها را در خود شعارهای پرطمطراق "اسلامی" و "حکومت اسلامی" و شعارهای "امپریالیست" بود امریکایی و نصیحت چرا آمریکا اعلام "بی طرفی" نکند!!!

بنت برای بر ریختن اطلس جنگ در بند کشمکش گروه های مائستی نهفته است و اگر "مهریالیستیها" رژیم های وابسته اشان

معی می کنند این سیاست را "سیاست امریکا" می خوانند. تبلیغات نظامی (مرواح امریکان هم نصرتوانند میکنند) ما نباید از گفتن این حقیقت واهی واهی این جنگ که در واقع خط سافج یک گروه "زورتم" بین المللی در مقابل رقیب دیگر است شانه خالی کنیم و آنرا به "عقد مائستی" و نظریاتش شبیه به این نسبت بدهیم. در پشت این تحلیل است که آنوقت میخوانیم بلهیم که این جنگ شعریه برای "انحراف" مردم است حرفا بعنوان وسیله ای برای سرک سرکوس حشر و نه عولسا وسیله ای برای تبلیغات رژیم و... در این حال که همه آنها را هم ندارد منتها این مسائل لابل ایطی جنگ نیستند بلکه جنگی که "بین همه طولانی شد در مائستی" رژیم ترکیه جنگ هیچگونه پشتوانه درونی تبلیغاتی ندارند جنگی است که از طریق خود "مهریالیستیها" بر سر گرفته و با تطبیق با توافق آنان نیز نمایان خواهد شد. تنها راه خلاصی از جنگهای ارتعاشی انجام یک انقلاب است. اینها هم جزقاری دولت اسلامی است. این جنگ تمام عیار است. حیاتیات مادی خود را از گرد "رستگاران ایران" و سراق به لبستانا بودی همه چیز آنها و با زور شبیه می کنند. نکته ای که باید در اینجا بدان اشاره کنیم فروش "طرح" از طرف شوروی به القار شوروی به ایران و عراق است. به نظر ما این مسئله نیز باید در این چهارچوب بررسی شود چه رژیم شاه هم باره "ای" از اسلحه های مورد نیاز ارتش مزدورشان را از شوروی خریداری میکرد و ما همان اسلحه ها هم خلق فقار را سرکوب کرده با همان اسلحه ها هم مردم ایران و هم خلق فلسطین را سرکوب میکرد.

ما سعی کردیم تا آنجا توان خود داشته "طی جنگ" را توضیح نسیم اینکه مثلا سرکشیهای "طرح" ماری در چند سال گذشته چقدر فعال بوده اند. اینکه این طول جنگ چگونه حیل و رفته به ایران اتفاق گرفته اند. اینکه رژیم چه استفاده های سیاسی وسیعی از جنگ برده و اینکه چه شرطی باید از جنگ و سرکار بودن رژیم جمهوری اسلامی بیان تحت نام "ما زینگی" چه سودهاش حسیب "مهریالیستیها" ریخته خواهد شد و غیره شاید منشورهای عقنات می بشود آنچه که امروز باید توضیح داد این مسئله است که برانستی چه شده است که اخیرا رمانه های گروهی امریکایی

لیستیا مرتبه از جنگ ایران و عراق غیر میدهند. چه شده است که برکت چهار سال گذشته این سرگزارها که حسی از نکان کارتا و ال کوزکان لیستیا سرگروه ای از لیستیا هم غیر میدهند ولی جنگ ایران و عراق که مرتب نیم میلیون انسان کشته شده است، شهرها ویران گردیده است و..... تقریبا با حکمت برقرار می شود. چه شده است که ریگان برکنار این خطوط می خود "آما لگی آرش آمریکا" را برای طلق "منافع ملی آمریکا" می منطلقه منطرح می کنند چه شده است که ما گرفت تا چر ما نیست هم "اسلام آما لگی می کند و چه شده است که بجای لیگرازا "امپریا - لیستیا به یکباره خواهان برقراری طلق شده اند و در این مورد هم مرتب می هم طلق خواهی خود را با "شورای ملی مقاومت" در میان می گذارند!!

حقیقت این است که با ما در ترفتن اوضاع و گسترش و حثت جنبه های جنگ جناح قدرتمندتر را توجه به امکانات موجودش در منطقه "عکس العمل بیشتر" از خود نشان میدهند. برای این رابطه مثلا ریگان رئیس جمهور آمریکا بدون کتب احسانه از کنگره آمریکا با فروش ۴۰۰ عدد موشک "Stinger Anti aircraft" (Stinger Anti aircraft) و ۴۰۰ عدد موشک "Shoulder-held launchers" و فرستادن چهارمین فروند هواپیما های سوخت گیری (K.C.) به ایرانستان سعودی و همچنین اعلام آما لگی نیروی فرما لیس آمریکا برای مده طلق بر کنگره نس منطرح است. ۳۰ ماه من ویشتمانی از تونلیا که منطقه طلق بر و اسج آما لگی گروه برشر در منطقه طلق که مسئله ای نیست و حتی سخته تر از مسئله لبنان است نشان میدهند. (۱)

پس از این ماجور است که گروه دیگر سرمایه های مالی ما سرودای طلق خواهی و "بازن جنگ" از طرف نمایندگان رسمی و یا غیر رسمی خود صحت متا وین کوناگون از قبیل "موسالیت ها" "دمکر" تنها تبلیغات وسیعی را برای بیشتر منافع خود به راه می اندازند. این نمایندگان مالی را در این مورد برها پیدا رند و قطعاً به ما شس هم در این باب ما طا "میرسد" ما بر این منطرح "ملح خواهی" از طرف این سرمایه ات اروپا قع پذیرای بلکه سازش بین گروه های مالی هر من متا فعتان در منطقه خلیج می باشد و شس هیچ چیز دیگر در اینجا است که بلکه مسئله ای می مقابله

شیوه های انقلابی طرح میگردد و آن مسئله طلق واقعی است؛ طلق دمکر، شله برای زمینگان است.

بشهر سرحدک فرکیروان این جنگ گروه های سرمایه داری بین المللی به توافق خواهند رسید. و بزنده طلق جنگ خواهند بود. و علاوه که حسی زمینگان را در سرگوبی می باشد که قرار داده ارتشهای کارآموده خری لیستیا کبل از جنگ دارند. اما پایان جنگ نیز نباید به "حکمت" رژیم های ایران و عراق لطمه وارد ماردا پس هیر دو رژیم نیز پیروز به نظر خواهند رسید. ایران در مقابل "شما و" پیروز شده و عراق در مقابل "منظور انقلاب" آنچه که روشن است این است که جنگ بحرانیست عمیقاً اقتصادی - اجتماعی را با خود بارمقان آورده است اما سیم این است که چگونه این بحرانیست تهدید را زمینده و سختی برای بیشتر انقلاب کرده و چگونه با تبلیغ میداند "انقلابی از طلق" طلق خواهی فریادگاران و تروغ من و افشا نمود.

در دوره جنگ اول جهانی، زمین این چگونگی را چنان توضیح میدهند:

"جنگ بدون ترسید یک بحران شدیدی بوجود آورده و وضع خود را را بی نهایت افزایش داده است، ما هیت ارتداسی این جنگ و لورنسا می سرمایه ایکه بورژوازی سرمایه کتورها به منظور پیمان نه لیس هدفها را ارتقا شس خود در زیر ما طلق "اندولوزی طلق" مگر در برنده، در زمینه شرایط عینی انقلابی خواهی نه خواه روحه انقلابی در میان گونه ها بوجود خواهد آورد. این وظیفه ما است که توده ها را برای فهم شایه این روحیه آگاه می بند، کرده، آشنا، عمیق ما شس و به آن شکل دهند، این وظیفه شس در مطرح کردن این شعار بدویش میان میگردد: جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی تبدیل کنید! تمام سازات بگیر طلقی در زمان جنگ و تمام شاکتیکهای "فصل شوه ای" که بطور جدی هدایت شده باشند، لاجرم به این نتیجه میگویند. (موسالیم و جنگ - تاکرید های یک خطی از ما است)

پتا سرمایه وظیفه هر نیروی انقلابی، که معتقد بوده و همیشه جنگ ایران و عراق جنگی ارتجاعی است، روشن است و آن وظیفه تبدیل جنگ به جنگ داخلی است، و نصیت سسارزه

عدا سپهری لیستی در کشور ما نیز نشان داده است که سرافرازی طبع دمکراتیکه تا بولوی جنگ فروروزن و استفسار در دمکراسی امکان ندارد بجز از طریق ما بود کردن تا کمیت سپهری لیست در ایران و تا بولوی تا کمیت سپهری لیست از طریق یک جنگ توده ای و طوائف که بصورت جنگ چریکی برای کسب مناطق آزاد شده و تشکیل ارتش خلق امکان پذیر می باشد. پس مفهوم جنگ داخلی در ایران چنان وجود ندارد می گوید.

یکی از نیروهای که امروز طرفدار طبع است و این خواهد بود خود را در مقابل ما و ما شباهای انقلابی و همچنین در مقابل حزب و مؤسسات بین المللی از سپهری لیستها گرفتار تا ما رفکاران بین المللی در طبقه انقلابی گذاشته و دستوان یکد آنترناسیونال مطرح می کند و در کنار خود سپهری لیستها - خود را توده که تمام ما را کسب نمی برکتی به تمام مفاهیم و حوزین انقلابی می کنند "شورای ملی مقاومت" و در رأس آن ما هستیم است -

قبل از هر چیز لازم است توضیح دهیم که طرفداران "طرح طبع" شورای ملی مقاومت در ما می ضرورت این طرح را در رابطه با اینکه جنگ وسیله ای شایسته تر است خصمی برای سرکوب جنبش است و غیر وسیله ای برای رها کردن قربانان خود از دست توده ها "طرح می کنند.

ما لازم می بینیم که مفهوم طبع دمکراتیک و بویژه در شرایط شایع توده ها به طبع از قول لیسن نقل کنیم: "تعمیل توده ها به طرفداری از طبع انقلابی به نگرانی از اعتراض، ختم و درک عادت ارتجاعی جنگ می باشد. این روشها کلیه مومنان - دمکراتها است که از این تعامیل استفاده نکنند. آنها در هر جنبش و هر خطه ای که نشیمنه چنین احساساتی است با خرابترین نقش را می بینند. خواهی چگونه است، ولی هیچگاه خلق را با قبول این عقیده که یک طبع طبقه ای، بدون چشم نه عیبها، بدون فارتگری و بدون نرسد داشتن نظریه جنگها ی عیب بین حکومت فساد کنونی و طبقات حاکمه با فقدان یک جنبش انقلابی، امکان پذیر است فریب نمی نهند. چنین فریب توده ها؛ فریب به معنای با زجه فیلهما می مری کوششهای متغایم و تر و گرفتاری و تسبیح کردن بلکه های ضد انقلابی آنها است، هر کسی که یک طبع پایدار و دمکراتیک می خواهد با یک

از جنگ داخلی علیه حکومتها و بورژوازی حمایت کند - (سوسیالیسم و جنگ - ص ۱۷)

پس مفهوم طبع واقعی، طبع طبقه ای، طبع دمکراتیکه، طبعی که توده ها را واقعا متوجه اهداف انقلاب و نیازهای انقلاب کند، در شرایط فعلی چیزی جز شرکت در مبارزه انقلابی به منظور گشایش جنگ انقلابی نیست.

ما از مجامع خود هیچ خواست تا تسبیح گذاشته خود را در مبارزه جنگ و شرکت خود را در آن را توضیح ندهند. از آنان نخواهیم خواست که بگویند چه شد آن مولف که تر عقل با ما شد تا جمعی از هواداران ما همین فریبدهنگی شود فریب گزیده با ما در آن رژیم قرار گرفتند و لیستی می برسیم آنها مفهوم طبع دمکراتیکه طبعی که به تبلیغ انقلاب و مردم ایران است است که با قرار دادی را شبیه کرده و به جناح دیگر نفس خلق یعنی رژیمی که هیچ چیز کمتر از رژیم ایران ندارد بهیم آنها طرح آنترناسیونال "طبع" و "استفاد" از خود بر ما من عدم تبلیغ طبعی گذشته (مجلس رانی سمود رجوی فر شماره ۲۰۵) مفهوم اینست که ما با ارتجاعیون دیگر قرار نداشتیم و مطرح کنیم که چون جنگ بدینستی مبار آورده املاکت مبار آورده اقتصاد کشور را ورشکسته کرده ما به طاعت را به نابودی کشانده و... و بیشتر از همه "جنگ طبیعی"

عینی که دارد "طبع بین المللی" را به ما طریقه می شناسد، اینها برای ما "طبع وسیله ای است برای طبع طبعی جنبش طبقه ای؟ که توده ها را تحت نام جنگ سرکوب نکنند و بلکه خود را از دست توده ها نرهاهند!

خوب! مگر بحرانهای اقتصادی و سیاسی و همه چیزها شس را که همه نام می برید خود بهترین وسیله خود بهترین وسیله "طبع طبیعی" توده ها خود دلیل و نشان روشن شدن ماهیت جنگ از طرف توده ها نیست - چرا ما باید در چنین شرایطی بجای دعوت هر چه وسیعتر توده ها در جنگ انقلابی بر علیه رژیم صیوری املاسی برای برقراری طبع واقعی - بسوزی نابودی فارتگران خلق، از آنها نخواهیم که رژیم را بسوز کنند ما عراق طبع می کشند.

لنین میگوید: البته باید که خوشتر کرد به سرخپوشی و سیاحت
 ممکن به جنگ خاتمه داد. با وجود این، خواننده "طبع"
 تنها در صورت دعوت به یک مبارزه انقلابی است که اهمیت
 پرولتاریه را بشناسد. می کشد بدون یک طبله انقلابی،
 آنچه طبع دمکراتیک تا حدی می شود، یک خیال پروری خشک
 نظریه است. و این را لنین در شرایطی می گوید که
 دفاع طلبان و سوسیال دموکراتیک های فوژن جنگ اول جهانی
 در واقع دوران جنگ مسئله طبع را به عنوان یک ضرورت
 مطرح می کردند. علاوه بر این مگر رژیم خمینی به قدری
 قبول برقراری طبع با عراق، اطلاق تبلیغاتی دیگری برای
 سرکوبی توده ها نتواند داشت. مگر رژیم دقیقاً چه
 از جنگ تعارض "ماژتدگی" و "واقع" ثابت جنگ را با همان
 اجمالی علیه کسانیکه به مبارزه با رژیم سرخپوش
 بکار نخواهد برد، مگر با از اجتماع برای کارگران "حسد
 ماژتدگی" محسوب نخواهد شد، مگر با صحت تبلیغاتی میندهای
 واهی و فریبدهای با رژیم سوسیالیستی بر اینکه حلال
 که جنگ تمام شده به "نیرو از بیست" (نیرو از شصت
 شد) این تنها تبلیغاتی می شود، نخواهد شد.
 آیا "ما" طرحی برای واقع شعار به "پروری" —
 شکست برای میکلهم نیست. آنچه میگوید که طرح میگوید
 در عمل یعنی، برقراری طبع بین دو رژیم با در واقع
 شکست نه پروری "برای میکلهم"، تمام مواد نیکی
 نیز در حد همه فقط قول ها و قرارها و فریبدهای است
 که اتفاقاً و زورای مورژوازی این نوشتن است. بسیار
 غایب دارند منتها مسئله است که آن نیرویی که تعیین
 کننده این بود، یا همه تنها از طریق یک قدرت انقلابی
 که حمایت سیاسی و نظامی کل خلق را به دست آورده، تعیین
 را میسر می کند تا از زیر پا گذاشتن آنها خواهد رو کند
 آیا شما که روزی رژیم عراق را "شاه و زنگنه" می خوانید
 امروز آنرا به حال طبع طلبان می خوانید. و بنا بر این قرار
 داد خود را با رژیم عراق و تمام "طبع طلبان" میسن —
 انقلابی (یعنی گروه های متفاوتی: مهریه لیم — ماژتدگاران)
 اتحادی برای مقابله طبع حویانه و تضمین برای "طبع"
 به همه بدیده آورید، از این روها می که این اتحادیه سلول
 برای حصول این "طبع" بکار میبرد، نباید پشتیبانی
 کنید؟

اگر طارق مزین و با تمام این حقیقت فرست اینرا بیامیست

تا برده گشای شما را از "طبع بین انقلابی" میرونی بکشید،
 با اکر حرات سلول "طبله عشق" فرستید، بنظر ایس
 برده گشای و کوششای شما را از "طبع بین انقلابی" میرونی
 بکشید، آنوقت نباید از شما بپرسید که برای حفظ صلح
 بین انقلابی و باسج به صلح ایران باید تمام آنچه
 را که امروز موجب تطویر است "طبع" و با بد رفتن ایس
 اتحاد میگردید، میپذیرید؟ یعنی پذیرا شدن تمام حرکتها
 و مبارزان رقتل فاسی که "طبع طلبان" میرونی امروز
 و احیانه طبع خواهان فردا انجام میدهند.

ما بعد تقاریم در مورد پرستان حقولها رسد
 طو پریم اصلاً ریم که خواننده باشم مفهوم انقلابی
 "فرارده طبع" یا "طبع دمکراتیک" را روشن کرده تا هم
 اما اگر این بحث صرفاً از طرف شوروی ملی مقاومت مطرح
 میشد که در حقیقت چیزی جدا از سیاست های این نیرو
 نمیباشد، جای تعیین نبود ولی، ولتو از زبان گشای ما شد
 "ج - ر آژ" نام "بند های مارکسیستی" (معاهد شاره
 ۱۹۵۵) می شود، وقتی از زبان مبارزی ما شد ما طبع
 گرگین میتریم آنوقت باید برخورد دیگری کرده تا حاص
 آتیهای از فصل "ج - ر آژ" را که در واقع جز بسکه
 حویله است، است، جز یک معاهد نیست (ونه مارکسیست)
 حیت و اینرا افکار مشغولشان میدهد، از مبارزی ما شد
 با طبع گرگین جدا می کنیم .

در اینجا است که بکار میگیریم باید این سخن لنین
 را یادآوری کنیم که "ما لیم با رده طبقاتی پرولتاریه، با
 بخش میتریم، صلح جنسی بین انقلابی پرولتاریه است که میگانه
 معبارد، برای هر چه و تعیین چگونگی برخورد سوسیالدمکرات -
 ها در هر دو معده "کدام فرست سیاست بین انقلابی هر چه میباید
 و صلح، مفهوم واقع خود را در عمل مشخص انقلابی نشان
 میدهد که از طریق آن میتوان به صلح دمکراتیک رسید. همه
 خاک ما شین در چشم توده ها، نه فرام کردن خواست
 تبلیغاتی بهتر برای رژیم، نه کمک به پرورش سیاسی
 رژیم مسراق .

چرا "پریم طبع" بخت توده ها برای پشتیبانی از صلح
 بین دو رژیم و طارق مزین - رستگاری و حمایتی آن.
 چرا: پریم مقید بخت توده ها به جیت پشتیبانی از صلح
 بین برده گاران برای تقسیم عادلانه برده؟

چرا توده ها را برای ایستادگاری پریم سرخ مبارزه صلح
 با فرستد .

کنند شده و متعلق به دوره قبلی مبارزه یعنی به دوره ای که جنبش توده ای وسیع وجود نداشته می باشد و همین دلیل مورد تأیید ما نیست - در ضمن روی صحت و علم نظریات حزب سحر سرگرم جزو بحث هشتم - ما بر این می توانیم - موضع فعلی ما زمان را می گذراند و ما قبول این وضع در مورد ما زمان ما نیست و مبارزه "ایستادگی" کنید که ما آنرا رد کردیم - در همین زمان ما با فوریت نیگرا - رابین کیر شید محمد حرمش بود و رابین اشرف دهقانی نیز تصدی گرفتیم - این وقت نیز بحث ها کمی با رهبری سازمان داشتند که چرا تمام مواضع اورتونیتی ما زمان را تلقین کردند - ما این ترتیب بود که حرکت مستقل ما شکل گرفت - ما تصمیم گرفتیم که برچم عضو مبارزه "مصلحتانه هم اشتراکی" هم باشد که با برافرازم - ما زمان "چریکهای فدائیان خلق ایران" را "انزو به رژیم و بوفایان که چریکهای فدائیان خلق باشد به دستاوردگان بیولتریه در انقلاب ایران بپیچد" داشتند - عمل ما هم - ما تمام

هر چه برافراشته تریه چریکها طرفداران خودی ما روزه صلح داشته باشیم - "مستشرق" نوی "هم" تا کنون هر چه مستحکمتر باشد نفوذ رژیم چریکهای فدائیان خلق - ما بود ما خود مؤلفان "ایستادگی" در مورد چریکهای فدائیان خلق - سرنگون ما رژیم و بسته به "شیریه" لیم جمهوری اسلامی ایران، ما جمهوری "شکر" خلق به رهبری ضلع کارگر - ما بر "سیرالیم" و "گنجینه" رنجریش

ما "معان به سروری راهمان
چریکهای فدائیان خلق ایران
"ایستادگی" خلقهای "سیرالیم"
(شیریه - ۱۳۶۲)

هر طبع "سیرالیم" و "زبور" نشان دعوت نکنیم؟ - چرا این آنها نخواهد هم برچم بود بختنامه جنگ انقلابی - چریکها؟ چرا این کارگران نخواهد هم "سیرالیم" برچم بختنامه جنگ انقلابی کارخانه ها "برچم" سرخ بر شفته "سیرالیم" تا بودی شفته را نماند رگها بر "سیرالیم"؟ - چرا توده ها که زحمتکش برای برچم سرخ برینا رشد - چرا کارخانه های شت شت برای برچم سرخ برینا رشد - چرا آنها باید منتظر "فدائیان خلق" انقلابی هدام صحن ما شدند و چرا "سیرالیم" اگر رژیم ایران این بیفتاد طرح را بپذیرد (که در موقع مناسب خواهد پذیرد -) "تولفت" نماید که رگها همان برچم های "سیرالیم" در "سیرالیم" کارخانه ها نگهدارند تا بیشتر شود - "سیرالیم" کارخانه ها "سیرالیم" شرکت کنند و "سیرالیم" کارخانه را "سیرالیم" کنند؟ و هر کسی از این شرکت سیرالیم زنده "سیرالیم" سرگرم خود؟

ما معتقدیم برقرار می ماند و "سیرالیم" در عمل یعنی کسری صگ انقلابی و شرکت در جنگ چریکی "سیرالیم" آزادی منطقه که بر آن "ولین طرح و "سیرالیم" اولین "سیرالیم" "سیرالیم" آزادی باشد گذارند - "سیرالیم" بعضی کسری صگ "سیرالیم" انقلابی که اینکار را ما هم کسری صگ وجود شروع کرده اند یعنی ما نیست "سیرالیم" به "سیرالیم" هزار شهید انقلاب - اینست مقیوم "سیرالیم" طرح "سیرالیم" ما رفته که اند ما "سیرالیم" و "سیرالیم" به "سیرالیم" و "سیرالیم" آزادی و طرح "سیرالیم" -

"ضعیفان مبارزه نمی کنند"

قوتیها شاید ساعتی

و آنها که بزرگ قوتیها

سالهای طولانی مبارزه می کنند

ولی قوتیها

به درازی عمر خود مبارزه می کنند

پرشت

در اهتزاز باد پرچم نوین چریکهای فدائیان خلق

آنها را زحف ۸

از نهم گذشت که این لفظی از یک دوران بزرگ می‌تواند باشد. نورانی که مردم ما در نرون ارتش خود، یعنی ارتش خلق حاضرند بیشترین مشکلات را تحمل کنند. و ما این همه با اطمینان عقل نا پذیر بر طبقه دشمن مزدور خود بیچنگند.

چگونگی اقدام جهت اعلام غریبی فرد، و پیوستن با سادری؛

رفقای مسئول سازمان، در حین بازرس متوجه مسئله توصیل فاشون بسیار عمیق شدند که غرضی برانگیخته بود. رفقای ما از او پرسیدند "حاجی آقا کجا تعریف می‌پزند؟" ... حاجی با قیافه متکبرانه‌ای کارت خود را نشان داد و گفت "من به مأموریت می‌روم و با اشاره به راننده گفت "این هم پسر من است و پاسدار است و در حین حال محافظ من نیز هست" گویا گفت من رئیس دادگاه های انقلاب گرگان هستم - در صورت مساعی از او خواستیم تا از توصیل بماند شود. راننده را نیز پیاده کردیم، تفنگ کلاشینکف او را که برای ترسیدن قلب جوانان این مرز و بوم بود، از جاکازی محافظین سرور کشیم - به آنها گفتیم این لفظ هشید که همه پسر و جوان رزم نمی‌کنید، این لفظ هشید که حتی همه کودکان نه ساله رزم نمی‌کنید، این لفظ هشید که زنان حامله را به فعل می‌رسانید... جهت اعلام غریبی فرد با هزار زحمت گفت "والله ما تصویر نداریم، ما را مجبور می‌کنند". جهت اعلام دیگران در بعضی باقی نمانده بود. در واقع قبل از اینکه ما کار او را تمام کنیم، خود او تمام کرده بود. وقتی از او پرسیدیم "آهسته کجا می‌آید؟" بریده جریده جواب داد "طل خزار جریده". جهت اعلام و برتری همیشه بودند که عقبه از چو کسرا است. همیشه بودند که در جنگال عدالت خلق گرفتار آمده اند. او و پسرش را بکناری برده و همانجا اقدام کردیم - هنگام اقدام این مزدوران تعویض هزاران نفر از فرزندان خلق که در چند ماه اخیر بلسه کشید، ایشان گفته شد در ذهن ما سنگینی می‌کرد... ما اینهمه زن و بچه ای را که در فرزندان آن توصیل بودند زنده گذاشتیم - و حتی عملیات پایان گرفته برحسی از سادری از ما پرسیدند "آن آبلو را چکار کردید؟"

گفتیم "ترتیبش را داریم" آنها اظهار شوکه‌ای می‌کردند و می‌گفتند "خمینی جلاد پسر ما را، سرآورده، شما هم پسر آنها را سر بیاورید".

بر انجام پسر از چهل دقیقه عملیات، وقتیکه حالت سرخوردن رسید، از همه خدا حافظی کردیم. و از محصل عملیات دور ششم، و دوباره به قلب جنگل بازگشتیم. "هموطنان مبارک!"

در این عملیات فریب ۲۲ نفر از پاسداران مزدور و برستل زاندا بر سری کشته شدند. و طبق اطلاعاتی که همه ما رسیده از مجموع کتانی که بر اینستگاه ظهور داشتند تنها به تا چهار نفر زنده ماندند که آنان نیز جز عملیات خاصی برده شدند. برصحن صحت اعلام غریبی فرد که گویا به واسطه نگاه های انقلاب گرگان را برهمه داشته و پسر مزدور که جزوسپاه پاسداران خدا انقلاب بود در جنگال عدالت خلق گرفتار آمدند و به اقدام انقلابی مستقیم شدند. یک پاسا نو خور و ارتش کاملاً منبهم گرفته شده، و به خدمتستان و تجهیزات ایستگاه جنگلیش حاضران فراتر از رده آمد. غیر این عملیات با سرعت فراوان در شهرها و روستا های شمال، و پسران آن شهرها بر سر اسیران پیچید، دشمن توطئه شکست برآورد. در باره عملیات به ایستگاه جنگلیش ملاحظه چیزی نگفت. در روزنامه های خود از چریکی های فدایی خلق ایران (ارتش رها بیخوش خلقی ایران) اسم نبرد. اما بعد از وقتی با مشاهده وسعت اشعار غیر مذکور و تأثیر آن بر اذهان توده ها کوشید تا سازه عملیات در جنگلیش شمال را تسکوت کند. در اینباره نو سازمان خوف فروش، حزب توده خاشن و اکثریت خاقان، نو سازمانی که همکار جناحیستاران رژیم جمهوری اسلامی هستند، و بی پروا و بیشرمانه نیز به این ضیانت خود افتخار میکنند، با صفه تبلیغاتی رژیم مزدور خمینی همو شده و در بخش اخبار و تقابلهات نادرست از هیچگونه همکاری دریغ نکردند. رژیم بوسلسه فرومکنهای اخیر شده اش در منبر ساجد و مشوره ای ها و اکثریتضیای خود فروخته، زبان به زبان می‌خوردند و چنین وانمود دارند که این عملیات توسط زنیان پاسداری فراری، ساواکی ها و... انجام پذیرفته است. برپسین اخبار برخی از راهبوهای خاور از کشور به این بیانات

ساده را بجز ما هفتاد هفتاد افکار انقلابی از سر آمده تا چیزهای
 محروم گردد... این همان رژیم است که وحشیانه جنبش
 خلق شرکت را سرکوب نمود و به حال است که خلق شرکت
 را زیر سیاهان و آتش گلوله های خود گرفته است. این
 رژیم هزاران نفر از فرزندان این خاک را به جوخه های
 آتش سپرد. و هزاران تن دیگر را در سیاهالیهای خود
 محبوس کرده است. در کجای دنیا دیده شد که خلق
 اینچنین ظلم و جور و خشم را خایه آورد. تا قوس سرگرد
 جنبش جاد بعدا برآمده است.

مفوق خلق را شمرده سر رژیم، و سرعلیه امپریالیسم
 و مزدوران آن متحد و متصمیم بیا خیریم. پیروزگی از آن
 نیروهای انقلابیست.

زننه با دما روزه مطحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است
 زننه با خلق رژمنده آکرده که برای آزادی می جنگند
 سرگرد سر امپریالیسم و گلهای زنجیریش
 سرنگون باد رژیم خبیث سرزور
 جاودان باد یاد شهیدان بغین خسته خلق

با ایمان به پیروزی راه
 هر کس که با خلق شرکت ایران
 (ارتش رها شیبش خلقی ایران) - ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۰

**"جنگل صمیم و وحدت ما است
 و چشمه های کوچک"
 باور نمی کند
 اینک صدای "او"
 در پیچ و تاب سرد سیاهکل
 گل می دهد.**

با من زندان. در این مباحث نام گروه دیگری نیز به حساب
 آمد از طرفی ما نیز نتوانستیم جزئیات عمل را بر اختیار
 مردم قرار ندهیم و امروز بنین وسیله اعلام میکنیم
 صلیبانی که در ۶۰/۸/۲۵ در جاده هراز انجام گرفتند
 و طی آن ایستگاه جنگلیانی کوبیده شد و منجر به کشته شدن
 ۲۲ نفر پاسدار و ژاندارم و اعدام انقلابی تحت اسلام
 شریعتی شد و پس از تیرش گرفتند از جانب چریکهای فدایی
 خلق ایران (ارتش رها شیبش خلقی ایران) صورت گرفته
 است.

کارگران، دهقانان و زمینداران میباید
 رژیم جمهوری اسلامی از یک سو و مبارزه مسلحانه
 در جنگلهای شمال شرکت اختیار کرده از سوی دیگر
 تمام قوا خود را برای سرکوبی این مبارزه که میتواند
 نقش تعیین کننده ای در سرنگون شدن دهنده باشد آماده
 میکند. پرواز فانتومها و طای کویتهای آمریکایی
 بر فراز جنگلهای شمال، اعزام هنگهای مختلف ارتش جهت
 سرکوبی مبارزه ای که چریکهای فدایی خلق ایران (ارتش
 رها شیبش خلقی ایران) آغاز کرده اند نشانه آشکار
 و وحشت رژیم جمهوری اسلامی از چریکهاست.

زمینداران! ما پیوسته به "ارتش رها شیبش خلقی ایران"
 مفهومی آشنا شمرده تر جا ریده با کتکهای مادی و معنوی
 خود آشنا تطویرت کنید.

روشنفکران انقلابی! در شفویت و شکم این حرکت
 انقلابی در رخ سرزید. تا قوس سرگرد رژیم خبیث جاد
 صد برآمده است. رژیم جمهوری اسلامی همه مطبوعات مردمی
 را آشکارا سرعلیه خود برانگیخته است. این رژیم
 کارگران را زیر رگبار گلوله های خود گرفته و از حداقل
 مستمره آنها کاست، زندانی آنها را روز بروز تیره تر
 ساخت. این رژیم بر دهقانان سخت گرفت. با وعده های
 فرودین آنها را فریب داد و امروز آنها را در زیر
 فشار مطبق گرفته است. این رژیم با چش مالیشهای
 گزافه که سگاران جز را مورد کتکید قرار داده و زندگی
 را با آنان تنگتر کرده این رژیم بسیاری از کارمندان

زند باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

۱۵۱/۱۰۰۰/۱۰۰۰

«املاجات تاریخی» بر روی دیگر طبقات و «فشار اجتماعی» نیز تأثیرات خود را گذاشته بورژوازی ملی ایران که تا آنس - من البته نه بصورت یک طبقه اجتماعی متحکم و سازمان یافته (که این مسائله دلیل تاریخی خاص خود را دارد) به عنوان یکی از نیروهای محرکه انقلاب شناخته می‌شود. نیروی تا بودی فطری قرار گرفته با گسترش سرمایه گذاری خارجی و تحت فشار این سرمایه گذاری و کار بورژوازی ملی تحت امارت سرمایه امپریالیستی در پیوسته و رکتتگی خود تا بودی فطری قرار گرفته و متدریج از بین رفته.

با استقرار هر چه بیشتر بورژوازی وابسته، طبقه رهبریت در روستا ضعیف شده و فقر کوچک دهقانان برقه (مسرله - بورژوازی روستا) در روستا بوجود می آید. همچنین بنا بر اهداف سیاسی امپریالیسم غرب بورژوازی نویسی در شش با میدان گذاشته که در نظر منافع طبقاتی زندگی - ن وابسته به طبقه امپریالیسم بوده و خواستار حفظ نظم موجود می باشد. اینها که متافعان یا منافعی امپریالیسم در جامعه ما گره خورده و میرف کشف شده اند. کالاهای سطح امپریالیستی بطور شخصی نیز هستند. فقر و بورژوازی وابسته ایران را در شهر و روستا تشکیل می دهند که از نظر مابند طبقه در مفاصل انقلاب قرار دارند. از طرف دیگر همین گسترش سرمایه وابسته به امپریالیسم با مفاصله خرابی و فقر و کمبودی کسار خرد بورژوازی شهری ایران گردیده. فشار سرمایه انحصاری هجوم کالاهای امپریالیستی و گسترش تکنولوژی مرفه شده فقر و مسکوت هر چه بیشتر خرد بورژوازی شهری ایجاد می د بخور طبقه ساز سرمایه انحصاری به طبقه تمام معزور و غارت هر چه بیشتر طبقه تا بودی مبارزی از طبقه ای که تا آن زمان وسیله امر و معاض این خرد بورژوازی بود ایجاد می د. در نتیجه این تلمیح و حولات، تعداد بخش وسیعی از خرد بورژوازی شهری ایران با نظام موجود شدت یافته و در نتیجه این بخش را در مابعدان انقلاب ایران قرار می دهد.

حرکت سرمایه امپریالیستی در جامعه ما و ملکرد قانونی اویش اضافی، موجب تشدید اشتغال و غارت طبقه کارگر ایران گردید. مبارزه طبقه کارگر ایران بر طبقه طبقه حاکمانه سرمایه جاسی، که ترواقع نطفه های انقلاب سوسیالیستی را رشد میدهد، با ضعیفترین وجهی مرکب گردیده. بر این اساس باید مابعد نکته اشاره کنیم که اگر چه مسخ

کلاسیک با رشد سرمایه دارانه خود کار و سرمایه - نهاد اصلی جامعه تبدیل می گردد و طبقه کارگر با مبارزه و متعطل کردن خود به جنگ بروی تا بودی مابعد تا بودی سرمایه گذاری که به مدد راه رشد و تکاملی جامعه تبدیل گشته اند می پرده برد اما سر جامعه ما «انقلاب طبقه» با طبقه بلاستارح سرمایه جاسی و جنگ و گسترش آن فرستار و روستا، از نظر طبقه به زیربکی و لزوم هر چه بیشتر ^{ویراست} روستا و دهقانان متحرک می شود و از طرف دیگر بیشتر بیشتر نهاد نسبی پروتاریه و بورژوازی ملی و سوبزه خورده - بورژوازی را با از بین بردن بورژوازی ملی و تحت سیطره قرار دادن هرگونه نیرو سرمایه داری تا بودی سرمایه وابسته از طریق انحصار تا خود، تحت انحصار تمام نهاد آتیا با طبقه سرمایه جاسی قرار داده است و در واقع طبقه سرمایه جاسی به شدت طبقه کارگر را تحت اشتغال و غارت قرار می دهد بلکه کل خلق را در مقابل خود دارد.

با زتاب این شرایط اقتصادی سیاسی در مبارزه طبقه ای در جامعه ما را می توان بطور خلاصه چنین بیان کرد: با اشتغال و جنگ طبقه امپریالیستی، تشدید فقرات سیاسی میان امپریالیسم و عقودالیم ششم می توانیم بگوئیم که عقودالیم تبدیل به عقودالیم وابسته می گردد و بر تمام با «انقلاب طبقه» تا بود می گردید. مبارزه دهقانان بر طبقه عقودالیم در کل این دوران وابسته به مبارزه ضد امپریالیستی می باشد که با «املاجات تاریخی» تا دهقانان با امپریالیسم تشدید می شود. بورژوازی ملی هنوز رفت نکرده تحت فشار سرمایه جاسی از بین سرود و مستول شد. یک سرود میانی مستقل را تشکیل دهد. خرد بورژوازی صنعتی و کامیگار با از دست دادن حوزه فعالیت خود، اقتصادیش تا بودی کشیده می شود، طبقه کارگر نیز تحت اشتغال این سرمایه قرار داده بنا بر این مبارزه طبقاتی در جامعه ما حول تقاضای است که در طول بیشتر از نیم قرن در جامعه ما رشد و گسترش یافته است. تقاضای که در مابعد جاسی وجود دارد. تقاضای خلق و امپریالیسم و حل این تقاضا یعنی فکتن مابعد دولتی سیاسی سوسیالیستی حاکمیت امپریالیسم.

پس انقلاب ما در مرحله انقلاب دیکتاتور طبقه سوبی قرار دارد. اما چه طبقه ای قادر است تا این انقلاب و سوبی بنیادری رهبرتا کند؟

همانطوریکه گفتم، بورژوازی ملیت‌ها بی شرایط تاریخی

وجودش ما هیئت توانا میسر می‌شود. هر چه شرایط تاریخی
مربوط به جنبش‌ها در همه جا دارد، در تمام این جنبش‌ها
و محیط‌ها می‌تواند مورد هیچگاه نمی‌تواند نیروی مستقل
سیاسی را تشکیل دهد، تنها چیزی که قادر است و
می‌تواند این مبارزه را هدایت کند، رهبری است که در
پروولتاریا، پروولتاریا، عنوان پیگیرترین و انقلابی
ترین طبقه جامعه است که به تئوری بین‌المللی مارکسیسم
لنینیسم می‌تواند و می‌تواند رهبری مبارزه را هدایت
کند. رهبری را هدایت کند.

اما آیا پروولتاریا جز با ارفاق بر تمام حداقل خود نمی‌تواند
این شرایط را به دیگری برای نیل به حوسب‌الیم فراهم کند؟
به نظر ما مسئله این است که دیگر 'تاریخ' به 'تاریخات'
نیازی ندارد، لنین بهر حال همین مسئله را می‌گوید،
به کتابک خود اشاره انقلاب سوسیالیستی بر سر می‌گذارد
مان روسیه بودند می‌گوید:

'قطعاً فعلی شکل اقتصاد در روسیه (شرط می‌تواند بود)
و سطح فعلی آگاهی و شکل توده‌های وسیع پروولتاریا
(شرط می‌تواند بود) ارتباط اینها با شرایط می‌تواند
دارد) آن‌ها تمام و لوری طبقه کارگر را فراهم می‌کنند
مبارزه فقط آنها را که جاهل ممکن است جنبه 'بورژوازی'
تحول دمکراتیک را که در حال فعلی است از نظر مردم
دارند، فقط خوش‌بینان که با مانع فوج ممکن است این
موضوع را فراموش کنند که در همه 'تاریخ' توده کارگر و رهبر
های سوسیالیسم و شیوه‌های اجرای آن هنوز تا چند
اندازه کم است. ولی ما همه یقین داریم که آگاهی
کارگران فقط بدست خود کارگران می‌تواند انجام گیرد
یعنی آگاهی و شکل توده‌ها، بدون آمادگی نسبی بودن
و پرورش آنها از راه مبارزه طبقاتی آنها در محیط
بورژوازی، گروه‌های ماضی در راه انقلاب سوسیالیستی
نیست. خواننده برسان یافته و هر چه 'تاریخات' تاریخی
فعلی می‌تواند گوید، انقلاب سوسیالیستی را تسهیل
می‌تواند خواننده همین گفت: ما آنرا 'تاریخ' می‌تواند
بلکه با مانع وسیله ممکن و آن مانع راه صحیح، یعنی
از همان جمهوری دمکراتیک نخستین گام را جوی آن
میداریم. گمانگه نخواهد از راه دیگری می‌تواند تصمیم
سیاسی سوسیالیسم برود بلکه چه از لحاظ اقتصادی

و چه از لحاظ سیاسی به نتایج سیاسی و جریتمندانه‌ای
خواهد رسید. (لنین، کتابک سوسیالیسم در روسیه، ص ۲۲۶)

و جان لنین در رابطه با تأکید بیشتر بر ضرورت پیوستگی
کردن مرحله انقلاب دمکراتیک قبل از انجام انقلاب سوسیالیستی
می‌گوید:

'اگر کارگزاران فراموش خود را می‌فرستند چرا ما نباید
بر تمامه جداگانه 'تاریخ' می‌توانیم ما فراموش، شدت
خواهیم شد. توده‌های مردم که قادر است ایستادگی دمکراتیک
هستند هنوز از حوسب‌الیم کمالی ندارند، هنوز شاهدان
طبقاتی نفع نگرفته است و هنوز پروولتاریا متشکل نشده
است. معده هر کارگر را بر تمامه روضه متشکل کند
سخت‌ترین، سخت‌ترین نظر نسبت به 'تاریخ' خود، تاریخی
سوسیالیسم کارگر تصمیم بعد تصمیم نمی‌تواند این
کار را انجام دهد و تنها به حالات پرورده و لاسی
توجه نمی‌تواند، 'تاریخ' می‌تواند 'تاریخ' می‌تواند
نید که عملی کردن این شکل و سطح این فرهنگ سوسیالیستی
منوط است به 'تاریخ' هر چه که ملحق اصلاحات دمکراتیک
(همانجا، ص ۲۲۶)

بنام این در جامعه ما سوزناک‌ترین سرمایه‌های
رشد نیروهای توده جامعه در سطح کارگری قرار
داشته و حوزه‌های تولیدی ملت تحت انحصار و سلطه
اقتصاد امپریالیستی فاجده فونکسیون شده در کارگر
تولید ملی پس از کسب نفوذ سیاسی خواهد بود،
پروولتاریا در این شرایط فاجده 'تاریخ' می‌تواند
خود یعنی انقلاب سوسیالیستی نمی‌تواند، پروولتاریا
در این مرحله مجبور است برای گذار به سوسیالیسم مرحله
انقلاب دمکراتیک که کارگران تولید انقلاب سوسیالیستی
فرآیند فعلی می‌تواند راه رهبری خود را در تمامه
پروولتاریا اگر چه هدف داخل خود را تا جایی هرگز
مالکیت عمومی بورژوازی در این مرحله قرار نمی‌تواند
اما از آنجا که هرگونه 'تاریخ' می‌تواند به تدریج
تاریخ با یک پیوسته‌ای سرمایه و در نتیجه بورژوازی
سلطه امپریالیستی می‌تواند حکم تاریخ مجبور است برای
تا جایی که این شرایط مادی می‌تواند با امپریالیسم
سوسیالیسم رهبری کرده این امر خود مستلزم هدایت
آگاهانه جامعه و مبارزه بر طبق تمام آن شرایط
مغول لنین می‌تواند و می‌تواند است که تاریخ

و تکامل آن سرزده‌اش، می‌شوند که خواهان برقراری سوسیالیسم هستند.

پس بیولتاریا بنا به ضرورت تاریخی ۲ بعنوان نیروی اصلی انقلاب و رهبری آن ۴ برهم مبارزه عدا صهیونیستی را برقرار کرده و این اتفاق با همکاری ۳ نتیجه بیولتاریستی روستا و اقتاری از طرف بیولتاریستی شهری ۴ صهیونیستی را در یک مبارزه مسلحانه طولانی و طولانی شکست داده و قدرت دولتی را تصرف می‌شاید.

ویژگی انقلاب دمکراتیک مبارزه را برابری است. تحت ستم انقلابی کثرت‌های نیمه استواری نیمه مستعمره در ستم است که سرطانی بر سطح نیمه استواری است. سیم مستعمره که تعداد انقلابیان یا بیولتاریست تحت اجتماع تعداد خلق و صهیونیسم قرار گرفته است. هر جامعه ما باید ۵ و زمین رفتن بیولتاریسم و مالکین سرمایه داری داشته باشد. تعداد کار و سرمایه

تحت اجتماع تعداد خلق و صهیونیسم قرار دارد. فرجه‌ها مبارزه عدا صهیونیستی عناصر انقلاب سوسیالیستی شروع به رشد کرده و بر پرونده جنگ انقلابی و آزاد کردن سلاطین و بورژوازی روابط نوین در این مناطق و بیولتاریستی ششمی شروع شده. در انقلاب سوسیالیستی بعنوان یک ضرورت مشخص در پرونده هر کشور کار بیولتاریستی قرار خواهد گرفت.

هم‌زمان با انقلاب دمکراتیک نوین ایران راه هر طوطی‌گویی خود می‌توان چسبید.

در زمینه اقتصاد و تا بود کردن طبقه قشری صهیونیستی است. اصول کلیه قرارهای امارت با صهیونیستی است. صهیونیستی کلیه سرمایه‌ها و اموال طبقات ارتجاعی و استعماری صهیونیستی را حل مسئله ارتعی و بطور کلی برقراری اقتصاد نوین در جهت تسلیحاتی تکاملی جامعه و ۶۰۰۰۰۰۰۰ در زمینه سیاسی در هم شکستن مائیت دولتی و ارتجاعی صهیونیستی و سرافوردی جمهوری دمکراتیک طبق به رهبری طبقه کارگر مسلح گرداننده همه اجزای اصل هم ضمن سرنگونی طبقه و ۶۰۰۰ در زمینه فرهنگی و مبارزه بر طبقه فرهنگ ارتجاعی و سوسیالیستی صهیونیستی و ارتجاعی است. انقلاب دمکراتی نوین و ۶۰۰۰.

در آخر باید مسئله باید اشاره کنیم که در سال ۵۷ و سپس در ایران جمهوری اسلامی ایجاد کرده جمهوری در تمامیت

اقتصادی - اجتماع می‌باشد. این وجود نیاز دارد. بلکه همانطور که بر جنبه‌های متفاوت مطرح کرده ایم، جمهوری اسلامی اساساً خود یک رژیم وابسته و سرکاذب است. متذکر این است که ستم‌ها توسط آن است. این ستم‌ها نشاندهنده عدا صهیونیستی است. عدا صهیونیستی و صهیونیسم می‌باشد و انقلاب ما هر مرحله انقلابی دمکراتیک مبارزه را برابری قرار دارد. آنها شبکه در تمامیت مختلف به مطرح کردن اینکه در سال ۵۷ انقلاب ششم است و ما اینکه سرمایه داری داشته باشد. هر ایران از این وقت به بعد و با عدالت وجود رژیم خمینی دیگر صهیونیست است. عدا صهیونیستی و سرمایه داری و سرمایه داری و ستم‌های صهیونیستی و سرمایه داری هر دو در این خلق ما می‌باید هر دو را حل کرد. هر دو صهیونیست و عدا صهیونیستی.

برای دریافت جنگل نشریه دانشجویان
 هوادار چریکی‌های فدایی خلق ایران (ارتش رها بخش‌های انقلابی ایران) - سوئد، در آمریکا یا ما شما را بگیریم.

سازمان دانشجویان فدایی در آمریکا بود که چریکی‌های فدایی خلق ارتش رها بخش‌های انقلابی ایران

برای تماس با نشریه جنگل یا آدرس زیر مکاتبه نماید

JANGAL:
P.O. BOX 9101
171 09 SOLNA
SWEDEN

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

داده منطقه ۱۹

بیمارستان های صحرایی و فرمانگاه های بهداشتی در
جبهه های جنگ میکنند. اداره و سازماندهی این
بیمارستان ها به قرار زیر می باشد:

فرماندگی و ارتشها شیبخ خلق یکی از ردها مسئول
مور بهداشتی و پزشکی میباشد. وقتی که در زمینه
مور بهداشتی و پزشکی فعالیت میکنند اکثر آنها انسان
و با کارگزارانی هستند که در منطقه جبهه بیماریه و برادرکا
آموزش دیده اند. فرماندهان به همراه پزشکان متعددی
که با چشمپوشی از منابع جمع می و خلقی خود
جبهه های جنگ انقلابی پیوسته اند به کار مشغول میباشند.
بیمارستان های صحرایی هستند که در ارتشهای
روستایی برپا میشوند و فرزندت روستاییان و ساکنین
مناطق که جنگ می آنها جریان دارد قرار میگیرند. این
بیمارستان های صحرایی امکانات رفاهی بسیار محدود
و دارا میباشد. با اجازه خاتون بیمارستان
بیمارستان علمی و عمومی جبهه مستقل میشوند که این
بیمارستان امکانات کافی برای انجام اعمال جراحی سنگین
را دارد.

حالت آنکه در مناطق تحت کنترل P.R.L.A. مقدار بسیار
بسیار مخزون دارو وجود ندارد لذا روش طب پیشگیری در
این مناطق توسط سازمان های نیروی خلق منطقه
مرحله اجراء می نماید. مسئول امور بهداشتی در سازمان
نیروی خلق منطقه و مسئول امور بهداشتی ارتش انقلابی
موظف هستند که کلیات این جهت آموزش اصول اولیه بهداشتی
به ساکنین منطقه برپا کنند. ضمن ترتیب هم اطفال و هم
مزرگانان باید می گیرند که اصول اولیه بهداشتی شخصی
و بهداشت محیط را بکار ببرند (بوی متال نخود جلوگیری
از آلودگی محیط و با تهیه غذای سالم و پاک و ...
بسیار قابل توجه است که علیرغم مشکلات موجود P.R.L.A. و
کارمان های نیروی خلق منطقه به سمت و روش فوق الذکر
خوابسته اند. بیشتره های تابانی در زمینه طب پیشگیری
داشتند. تولید داروهای خانگی نیز یکی دیگر از
سیاست های پزشکی است که در جبهه های جنگ ترویج و تشویق
میشود.

تولید دارو از ریشه های گیاهی و خود گیاهان
بسیار مهم است. تاکنون داروهای جبهه های اسپال -
فرمهای حکمی و طبوت های سنتی، شناسایی شده است -
تولید داروهای گیاهی در بیمارستانها صورت میگیرد

میباشد و نظیر زرد میشود که در آینه ای سبز
داروهای خانگی های ۶۰٪ از داروهای آزمایشگاه
استفاده می شود. در واحدهای بهداشتی انقلابیون را
تولید می نمایند.

تولید تأثیر این داروها در فرمان اکثری بیمارستان
اولیه غیر قابل انکار میباشد و اکنون آن می
که در مراحل اول نسبت به این داروها وجود داشت فرا
تکرار استفاده موفقیتهای بسیار از این رفته است. اکنون
بسیار می شود که روستاییان و ساکنین منطقه داروهای
خانگی که برای درمان آنها تجویز میشود را با همکاران
بیمارستانی که در مورد داروهای آزمایشگاه در دست
استفاده می نمایند.

علاوه بر تخفیف مؤثر مؤلف این داروها یکی دیگر از
آنها همین سهولت در تهیه آنها میباشد. تقریباً اکثر
داروهای خانگی از طریق جبهه های و با بخش و خوابگاه
نریز تهیه می شود. در روستاها و مناطق غیر
اکثر گیاهانی که ریشه و برگ آنها تهیه میشوند تقریباً
دارو صرفاً میشود. در این روستاها به وفور مواد
غیر تهیه داروهای خانگی نمونه داشتند. این گیاهان
سنن بومیان منطقه (سرخ بوستان آمریکا مرکزی) به
آنها به اثر رسیده است و بکار می آید.

تعلیم و تربیت (سواد آموزی)

در حالیکه رژیم المائو دور در حال تعلیم کردن
حدها نپستان و اسپرستان (مدرسه) میباشد. سازمان های
نیروی خلق منطقه در حال ترویج تأسیس مدارس جدید
جستند. این مدارس که ریشه در حالت المائو دارد
نوع کامل و معینی از آموزش را شروع نموده اند که
هفتاد و نه روز و تربیت افراد و زبان توجیهی میباشد
که در حال حاضر شروع به نمود کرده اند. این آموزش
معماری جدیدی از برای فرد را یاد میدهد. معانیهای
جدیدی از برای فرد خلق و احترام را که در زمینه
انقلابی بکار می آید.

مطور معمولی شخص که مسئول امور تعلیم و تربیتی
میباشد فردا برحمته ای است. این مسئولین مرد
در مؤلف هستند که افرادی را که به نحوی قدرت فزاینده
و توجیه دارند را در منطقه شناسایی کنند و به آموزش
و تشویق این اشخاص را تبدیل به یک سرپرست
معماری که خواندن و نوشتن را فرا میگیرند

اشتمال خوبی از خود جهت استخدام و تقابله سرسنگری از خود نشان میبخشد. هر هر صورت دانش هر فرد از افراد منطقه بلیگه‌ها نیز تفریب میبود و تجربه هر کدام از ماکتیبین بهین‌دین ماکتیبین نیز آموخته میبود. بختین غرضتبا تعلیم و تربیت و آموزش یک طرفه یعنی فقط از معلم به شاگردان نخواهد بود بلکه یک‌طرفه بود هر طرفه بوجود می‌آید یعنی همه ماکتیبین هم معلم و هم شاگرد خواهند بود.

شاگردان نیز همین مختلف هستند و آنان هم شرایط طبیعی و هم مدارس متفاوت و عادی تحصیل نمی‌کنند و بلکه هر مدرسه بسیار کوچک تحصیل میکنند که از ضمن معارفه شده است و حتی برخی از آنها در اثر حملات دشمنان و خسارت‌ها از ضمن آسیب دیده اند و فاقد سلفا میباشند. طبرعمر تمام این مباحثه کودکان به عادی به مدرسه میروند زیرا از این موضوع ماخوذ هستند که توسط سالیسیا و ارتش خلق و جریبان انقلابی خود محافظت میگردند.

بسیاری از شاگردان هم هنگامی شده اند و بسیار خانواده خود را از دست داده اند. آنها به انقلاب ایمان دارند زیرا به آنها امکان موه‌گیری خواندن و نوشتن را داده است که چیزی که برگزیده آنها از آن برخوردار نبودند. آنان آگاهند که با پیروزی انقلاب خلق از امکانات کافی بهداشتی و تحصیلی و غذایی و مکتیبین برخوردار خواهند بود. آنان آگاهند که اولین آنها برای

این اهداف مبارزه کرده و شهید شدند. در با زمان های نیروی خلق نیروی زمین به شاگردان تدریس میگردند.

۱- سواد خواندن و نوشتن. به علاوه اصول اولیه ریاضیات نیز تدریس میگردند. شاگردان نیروی را کمک مثال‌ها می‌زنند و از آنها و دانشداران محیط زندگی خود فرا میگیرند. برای مثال: ما طور - کج سبیل - سبیل - مان - پرنده - اسلحه - نیروگرمی - رودخانه - جنگل و... آنها "الف" را از "طرح" و "ب" را از "پرنده" می‌آموزند و به همین ترتیب معنی لغات و حوز یکبار برهن آنها را قلم از اینکه نوشتن یاد بگیرند می‌آموزند بعد از ماکتیب درس دانش آموزان به گروه های دیگر ملحق میشوند و فراموشی و امور شولیدی و امور قضیاتی شرکت میکنند.

علاوه بر جوانان افراد مسن نیز اشتیاق زیادی جهت فراگیری خواندن و نوشتن نشان میبخشد و طبرعمر کار زیاد و محظوظیت‌ها آنها سخن میکنند که بزرگوارها زمانی را هم به کلاسهای درس اختصاص میدهند. آنها بسیار دقیق و منظم هستند و حتی میکنند که حتی یکا کلمه را تا ضایعه نگیرند و هیچ واژه‌های کلاس را رویتسروان نموند. شرکت نمی‌کنند.

۲- نیروی سیاسی: مطالب مورد تدریس مبارزات را درجه ۱-



گردهمایی زنان در (Giataterange) توسط ما زمان FPL

سات سیاسی روز - شعارهای بازمانده - سرافرازمان و...
 بخاره در مورد معیارها و ارزش‌های انقلابی از جمله
 عمق به خلق و اهمیت کار اشتراکی، لریکلیت و...
 احترام به نیرومندان جنگ و گرمی داشتن شهدایی گشته
 فرساوره شهد شمع - نه خیز فروری هستی که شمری...
 میفرستد.

... غریب فرهنگ خلقی؛ این نیروی کنگه زیدای...
 افرایش قدرت مفاومتی مردم فر جنگ آزادی خلق می‌کنند.
 یکی از فعالیت‌هایی که فر رابطه با این نیروی تشویق
 و ترویج داده می‌شوند؛ اجرای برنامه‌ها و کوچک تا...
 میباشند.

موضوع‌هایی که بر این برنامه‌ها عرضه می‌شوند معمولاً
 زمینه سیاسی دارند و فر سطح فهم جامعه‌آگاهی منطقه
 میباشند. برای مثال این موضوعات فر رابطه با نقش
 زن فر انقلاب، طرز برخورد با امرای جنگی، طرز رفتار
 گروه‌های شبه نظامی، انواع و اهمیت کار و...
 تهیه می‌شوند. سایر موضوعات هم با در زمینه‌های تعلیم
 و تربیتی مثل بهداشت معیشت و نحوه برخورد با کودکان

و به فر زمینه‌های اجتماعی، مثل روحیه رزمندگی
 و روابط بین‌رژها و... تهیه می‌شوند.

در استان و سایر شهرستانها معمولاً توسط خاکشن منطقه
 نوشته می‌شود و قبل از چاپ با کمک یکی از سرچیان ویا
 معلمین مورد بحث و تمحیح قرار می‌گیرد. موفق بودن
 چاپ و توزیع آن بستگی به تشخیص ناحیه‌کنین منطقه‌ای است
 که چاپش فر آنجا اجرا می‌شود. هم کودکان و هم
 بزرگسالان هر دو در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند.
 چاپش‌ها فر منازل و به مدارس و سایر مراکزهای تربیتی
 اجرا می‌شوند و معمولاً برای اینکه چاپش علاوه بر اینکه
 اثر تعلیم تربیتی داشته باشد که سرگرم کننده هم باشد
 از زمینه‌های سرگرم‌کننده هم استفاده فر می‌نمایند.
 فر مورد آن بحث می‌شود تا بیستگان نفرات خود را می‌بایان
 کنند و در مورد پیام چاپش هم عمیق‌تر بحث می‌شود. تا
 تمام بیستگان پیام را فک کنند.

تمام کودکان با زمان‌های نیروی خلق منطقه فر برنامه‌های
 تعلیم و تربیتی فر هم کردن فعالیت و مشغولیت خلق منطقه
 می‌باشد؛ چیزی که فر گذشته خلق ما از آن منع می‌شد.



پیام روزیاد مبارزات
 ضد امپریالیسم و خلقی

تبلیغات

منطق فعالیت و قدرت هر سازمان نیروی خلق منطقه به دست تکمیل می آید - نظامی منطقه می باشد. در هر سازمان نیروی خلق منطقه تمدنی از افراد جهت تبلیغات انتخاب میگردند - مسئولیت آن با آن برین خلق می آید - سیاسی و روحیه خلق منطقه می باشد - علاوه بر این مسئولین خلق منطقه را در اشخاص مورد توجهی اشتراکی و مساوی امور فدائی منطقه تشویق و سازماندهی میکنند (مورد دفاع از منطقه معمولاً به عهده مسئول است) -

شیوه های تبلیغاتی معمولاً عبارتند از تیراندازی با کاردان / نقاشی های دیواری و ... در بعضی مناطق کلکچر دارو میباشند تکثیر جوسی و یا پاره های هندسه و از آن جهت تهیه و تکثیر جزوات استفاده میکنند. به علاوه گروههای سیاسی نیز جهت اعلان وقایع سیاسی نظامی ملی و منطقه و بزرگداشت خاطره تهیه میگردند و با گذر از همه آنها در روز به شهرها و اشغال آن ها توسط نیروهای مسلح خلق میباشد در حالیکه از طرف تبلیغاتی حمایت میشوند - که این کار نیز دارای اهداف تبلیغاتی میباشد. بلافاصله برچم ها و پلاکاردها برپا میگردند و مردم نیز دعوت به گروههای میگردند و در آنها برای آنها در مورد لزوم سازماندهی و حرکت آنها فریاد و پیشبرد جنگ جهت ادامه دادن به دوران منهدمکنی و استثمار و برتری سفارشی میشود.

یکی دیگر از وظایف مهم آنها نفوذ در خانواده افراد و اشغال ایدئولوژی و تحریک و تشویق آنها به امتناع از همکاری با رژیم ایدئولوژی می باشد برای این کار مسئولین تبلیغاتی بعد از بهرنگته تحلیلات و سرشاری از آگاهی شهر و منطقه خانواده های افراد رخن ایدئولوژی در راه آنها میباشند و سپس با یک طرح ظاهر شده به داخل خانواده آنها نفوذ میکنند و با تأثیر بر روی آنها باعث ایجاد شکاف و بی ثباتی در رده های مختلف ارتش دشمن میشوند.

علاوه بر این در کار تبلیغات تا عمل برپا می آید سازماندهی زندگی روزانه ساکنین منطقه تحت کنترل است. و برپای سفارشی ها که بود آموزی و بهدانی و تشویق مردم به شرکت در کارها صورت داده می آید در روزهای ماضی نیز می باشد (روزهای کار با ولعانه به

انگیزان آگوشین را با نفوذ رتبه به یاد او نام گذاری شده اند -

مداخلت

فرآیند ایدئولوژی از گذشته تا کنون همیشه مداخلت در جهت ستاف طبقه اشرافیتش شده است - قوانین موجود همیشه در چهارچوبه برتری و استثمار خلق وضع شده - در مناطق تحت کنترل F.P.I.S. مداخلت در استان خلق فرار ندارد - سازمان ها که نیروی خلق منطقه مسئول اجرای مداخلت اجتماعی در این مناطق میباشد -

در حال حاضر در مقام دایمی تشکیل شده اند که مسئولین آن عبارتند از دبیر اول سازمان نیروی خلق منطقه که فرمانده عملیاتی منطقه و یکی از اعضای حزب - این دو مقام های خلقی به همراه شورای مرکزی ساکنین منطقه مسئول برپایی قوانین حاکم بر زندگی روزانه و حکومت نمودن آن عهده این ساکنین منطقه گشته متهم به تخلفان نمیشوند میباشند. بعد از یک رشته تحقیقات بعمل امده متهم تمام ساکنین به یک گروههای دعوت میشوند و بعد از مرشد شدن بیرونه در گروههای شخصی متهم میشوند از خود دفاع کنند و سپس در این مورد بحث میشود و در نگاه رأی بر محکومیت و یا بی گناهی متهم میدهد.

با یاد میباشد ماه نیروی خلق از استقلال واقعی حق حاکمیت و خودمختاری میباشند - جنگ آزادی میباشد خلق.

★

پیروزباد انقلاب

السالوادور

زخون ریخته، خورشیدهایم افروزم!

چو دانستم که خاطره رفیق

سعید سلطا نبور

رفیق سعید سلطا نبور، شاعر

و نویسنده انقلابی و جنگی ناپلیری

بود که در دوران زندگیش توانست

هم بسزایش در رشد و فرهنگ

و ادبیات انقلابی، با نماینده

مبارزه‌ای را علیه فرهنگ مستبد

امپریالیستی به پیش ببرد. او در این

راه فرزانان رژیم جنوری پهلوی چند

بار به زندان افتاد و در میان

همراهی‌های فراوان و شایسته رژیم سخت

تندترین شکنجه‌ها قرار گرفت. اما

این شکنجه‌ها ظلمی بر او نداشت.

زناش و او علیه امپریالیسم و ممالک

زنجیرش وارد نیابورده بلکه او بنا

استادی بی‌مانندی چهره واقعی رژیم

مزدور شاه و زندانبانان را مشخصه

پیش‌افتاد خود و مبارزه و مقاومت

انقلابیون نوشت. در این زندانها

بفویس جان نسوده. پس آزادگان

زندانی او می‌توانستند شعر مبارزه

را سر داد و در ابدان آن نویسنده

در خارج از کشور در بیشنگها و

سخنرانیهای که در کشورهای متعدد

انجام داد چهره واقعی رژیم شاه

مزدور را به حیثیات معرفی نمود.

پس از روی کار آمدن رژیم وابسته

به امپریالیسم جمهوری اسلامی/س

افشای سیاستهای فتنه‌فشی رژیم

پرواغت و با سرگزری ما بقضا مدهها

سخن، سر و ... به افشا چهره

واقعی رژیم پرداخت.

رژیم دشمنی که از شخصیت انقلابی

و مبارزه مبارزاتی وی آگاه بود.



انجام در تاریخ ۲۷ فروردین سال ۶۰
 در روز افواج رفیق، او را مستگیر
 نمود و فکر بار سخت شکنجه قرار گرفت.
 رژیم بر آن موقع سعی داشت با حلسه
 وضع به مبارزه‌اش و تیرها ساز
 شخصیتای مبارزه و رهبری خرم را سر
 روحیه مردم قایل‌کننده و سعی داشت
 با آفرین عناصر را در به راه سازد
 تلویزیون و کلفه اسرار مبارزه‌اش
 انقلابیون را سر نزد مردم خاشن جلوه
 دهد. رفیق سعید به رسم همبستگی
 قلبی بر نهادن و عشق عمیق به فلسفه
 رژیم را در این سیاست خود تا گام
 گذاشت و سرانجام در تاریخ
 ۱۳۶۰/۳/۲۱ در کشتارگاه اوپس
 به جوش های اقدام سپرده شد.

با دل را گرا می صفا ریم
 سرگ بر مزدوران
 ز سلفه باد ظنق

غزل زهانه

نغمه در نغمه خون غلفه رده، تندترند
 شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد
 چشم هر اختر بوینده که در خون بی‌گشت
 برق خشمی ز دور برگرد، شب خجروش!

— شب خودکامه که در برم گزیدش، گل خور
 زیر گار جنون خوش ز دور بر بر شد
 مویه بر زخم بد زرد لب خونین یسر
 آتش سینه گل، داغ دل مادر نشد —

روی سنگر گران، مانده خورشید چکند
 کوهی از آتش و خون موج زد و سنگر نشد

آنکه چون عنجه ورق در ورق خون می بست
 نظره در در نق خون، شرف خاور نشد
 آن دلاور که نفس با گل خون می آراست
 لمس آتشونه آمد، سخنش آذر نشد

آتش سینه سوزان تو آراستگان
 تا اول تجربه آورد، شب باور نشد
 وه که آن دلبر دلباخته، آن فتنه سرج
 رهروان راه سنگین زد و رهبر نشد

ناخه عشق که در باغ زمستان می بوخت
 آتش قهقهه در گل ز نو بار آید نشد

عاقبت آتش هنگامه به میدان افکند
 آنهمه خرم خورشید که خاکستر نشد

کمک‌های مالی دریافت‌شده برای

چریک‌های فدائی خلق ایران
(ارتش‌رهایش خلق‌های ایران)

★★★★

| | |
|--|-------------------------|
| بومانت | |
| ۱۰۰ | رفیق اسماعیل هادیان |
| آستین | |
| ۱۰۰ | آ |
| ۱۰ | - |
| ۱۲۰ | ق |
| ۲۰ | رفیق کبیر محمدحرمتی پور |
| کلاه‌ها | |
| ۲۰ | م-الف |
| ۱۰۰ | جنگل |
| پیتن | |
| ۲۰ | |
| هوستون | |
| ۳۰ | -۱۵۷ |
| ۵۰۰ | سیاهکل |
| ۱۰۰ | خی یوست |
| گلومتون | |
| ۳۰ | ۲- س ۲۸۹ |
| ۵ | رفیق محمدحرمتی پور |
| ۴۰ | ستون چریکی جنگل |
| فیلادلفیا | |
| ۵۰ | |
| نیویورک | |
| ۶۰ | |
| ۱۸۵ | ۱۹ بهمن |
| ۹۲۷ | ۱۹ بهمن |
| <p>برای حمایت‌های مالی و معنوی خود با نام‌های زیر با نام‌های زیر:</p> <p>سیاهکل</p> <p>STIAHKAT, P.O. BOX 18416 HOUSTON, TX 77223</p> | |

رفقا ، هموطنان مبارز!

چریک‌های فدائی خلق ایران (ارتش‌رها شیبخش خلق‌های ایران) که برای گسترش جنگ انقلابی بر علیه امپریالیسم و رژیم وابسته جمهوری اسلامی به مبارزه خونین خود ادامه می‌دهند، در اوضاع بسیار بحرانی کنونی برای پاسخگویی به وظایف انقلابی خویش در قبال خلق‌های تحت ستم جامعه مان بیش از پیش نیاز به کمک‌های مالی شما دارند.

کمک‌های خود را (با کد) به نشانی نشریه سیاهکل و یا بهر طریق می‌توانید در اختیار سازمان قرار دهید.

سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا
هواد چریک‌های فدائی خلق ایران
(ارتش‌رها شیبخش خلق‌های ایران)

سیاهکل

نشریه سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا
چریک‌های فدائی خلق ایران (ارتش‌رها شیبخش خلق‌های ایران)



سوم خرداد سالروز شهادت

چریک فدائی خلق رفیق کبیر شهید امیر پرویز بویان از رهبران
و بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

گرامی باد

آرشیو فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران